

## وضعیت فاجعه بار سیستم خدمات درمانی کشور

ولی جالب اینکه، اظهارات و افشاء گری های خود نمایندگان رژیم عیار واقعی و نازل این ادعاها را عیان می کند. نماینده اهواز در مجلس اسلامی، به گزارش رسالت، ۲۳ خرداد، می گوید: "به علت عدم برخورد جدی با پدیده غیر اخلاقی، زیر میزبازی گرفتن پزشکان از بیماران از این پس باید نام این پدیده را رومیزی گذاشت. متأسفانه تعداد پزشکانی که اقدام به گرفتن زیر میزبازی از بیماران در استان خوزستان می کنند روز به روز در حال افزایش است و متأسفانه تاکنون اقدامی در برخورد جدی با آنها از سوی مسئولین مربوطه صورت نگرفته است. متأسفانه این پدیده در بیمارستان های دولتی خوزستان رواج فراوان یافته است. هفته قبل با وزیر

ادامه در صفحه ۷

سران رژیم سعی زیادی دارند که جمهوری اسلامی را در جهان به مثابه نمونه ای از غلبه بر ناهنجاری های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان دهند. به نقل از ایلنا، ۲۸ خرداد، وزیر کار دولت احمدی نژاد در اجلاس سازمان بین المللی کار اظهار داشته است: "دولت جمهوری اسلامی برنامه های توسعه اجتماعی خود را بر تعالیم عدالت آفرین اسلام بنا نهاده است. ما برنامه های توسعه اقتصادی خود را هرگز به بهای رنج و آلام اقشار آسیب پذیر اجرا نمی کنیم، بلکه همواره مرز مشخصی بین صیانت از ارزش های والای انسانی، شرافت کار، توسعه حمایت های اجتماعی، حفظ کیان خانواده، انسجام اجتماعی و کاستن از فاصله شدید طبقاتی یا اقتصاد مبتنی بر ارزش های مادی صرف قائلیم."



شماره ۸۴۶، ۱۴ تیر ۱۳۸۹  
دوره هشتم، سال بیست و پنجم

### قرار داد صادرات گاز به پاکستان و

پرسش های بی پاسخ!

اعمال نفوذ و مداخله سپاه در

قراردادهای اقتصادی مهم کشور

با وجود آنکه هند خود را از قرارداد سه جانبه موسوم به خط لوله صلح کنار کشید، سرانجام با اصرار مقامات رژیم ولایت فقیه قرارداد نهایی صادرات گاز ایران به پاکستان روز یکشنبه ۲۳ خرداد ماه به امضاء رسید.

روابط عمومی وزارت نفت در اطلاعیه ای که خبرگزاری فارس آن را منتشر ساخت، با تایید امضاء قرارداد مذکور نوشته بود: "آخرین ضمیمه قرارداد صادرات گاز به پاکستان امروز (۲۳ خرداد) در حضور میرکامپی وزیر نفت، بین نعیم شرافت مدیرعامل شرکت گاز ایالتی پاکستان و کسایبی زاده نماینده وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران

ادامه در صفحه ۳

### در این شماره

ورشکستگی صنایع، کاهش تولید و امنیت

شغلی زحمتکشان ص ۲

اعتراض کارگران پالایشگاه آبادان ص ۴

برخورد شدید با دانشجویان ص ۴

کار و زندگی ساراماگو ص ۸

تلاش اسلامگرایان حاکم برای تعطیل

دموکراسی در سودان! ص ۱۲

## سیستم قضایی ضد مردمی رژیم ولایت فقیه

### در نقش و جایگاه نهادهای امنیتی

حزب های یاد شده، پرونده به یکی از شعب دادگاه انقلاب اسلامی تهران ارجاع شده است. پس از انتشار این خبر، روز بعد یعنی ۲۷ خرداد ماه روابط عمومی دادسرای انقلاب اسلامی، اصلاحیه ای را منتشر کرد که در آن قید شده: "موضوع رد درخواست صدور دستور موقت و ابطال تصمیم کمیسیون ماده ۱۰ احزاب از سوی دادگاه، تنها مربوط به حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی است که به این وسیله تصحیح می شود."

البته این اصلاحیه دراصل موضوع یعنی همدستی سیستم قضایی با نهادهای امنیتی و نظامی و اعمال فشار به مخالفان کودتای انتخاباتی تغییری نمی دهد، تایید توقیف پروانه فعالیت احزاب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی توسط قوه قضاییه خود گویای این واقعیت است! دادستانی و دادسرای انقلاب اسلامی تهران با هدف حمایت از کودتاچیان و عقیم گذاردن تاکتیک اصلاح طلبان برای رسیدگی به مساله مهم دستگیری ها و محاکمات نمایشی اخیر، بار دیگر "غیر قانونی بودن" احزاب اصلاح طلب را طرح و تبلیغ می کند و مانع فعالیت آزاد که حق مشروع آنان است، می گردد. علت اینکه چرا دادستان انقلاب اسلامی تهران برای مخالفان خط و نشان می کشد را باید در متن نامه هفت زندانی سیاسی اصلاح طلب جستجو کرد. جرس، ۲۶ خرداد، درخصوص محتوی نامه مذکور گزارش داد: "هفت تن از زندانیان سیاسی پس از

تحولات سیاسی میهن ما و حوادث یک سال اخیر جای هیچ گونه تردیدی را درنقش فوق العاده مخرب قوه قضاییه رژیم ولایت فقیه باقی نمی گذارد. با انتشار نامه هفت تن از زندانیان سیاسی پس از انتخابات ریاست جمهوری و طرح خواست به حق و اصولی تحقیق و تفحص درباره بازداشت ها، بازجویی ها و محاکمات غیر قانونی توسط مجلس، باز هم دادسرای انقلاب اسلامی تهران با زیر پا گذاشتن وظایف تعیین شده و قانونی خود، درنقش همکار و همدست گوش بفرمان نهادهای امنیتی ظاهر شد و به تهدید مخالفان دولت کودتا و اصلاح طلبان امضاء کننده نامه فوق پرداخت. خبرگزاری فارس، ۲۶ خرداد ماه، نوشت: "به گزارش ... پایگاه اطلاع رسانی دادسرای عمومی و انقلاب اسلامی تهران عباس جعفری دولت آبادی (دادستان انقلاب اسلامی تهران) اظهار داشت، پس از رد درخواست دستور موقت وکلای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهه مشارکت از سوی یکی از شعب دادگاه عمومی حقوقی تهران، ادامه فعالیت این احزاب منع قانونی دارد ... احزاب یاد شده پس از توقیف پرونده فعالیت آنان از سوی کمیسیون ماده ۱۰، درخواست صدور دستور موقت برای جلوگیری از اجرای این تصمیم کردند که دادگاه این درخواست را نپذیرفت ... کمیسیون ماده ۱۰، فروردین ماه سال جاری به دلیل انطباق برخی اقدامات و فعالیت های این احزاب ... ضمن توقیف پروانه فعالیت، تقاضای انحلال حزب های یاد شده (مجاهدین انقلاب اسلامی و مشارکت اسلامی) را به دادگاه ارسال کرد ... برای انحلال

ادامه در صفحه ۶

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"



ابعاد وسیع و عمیقی داشته و در جامعه اثرات منفی باقی گذاشته است، علاوه بر اخراج های گسترده

و دستجمعی باید پدیده دستمزدهای معوقه و رواج قراردادهای موقت و سپید امضاء را نیز از پیامدهای این اوضاع ارزیابی کرد.

به این ترتیب و برپایه آمار رسمی و نمونه های مورد

پژوهش، مساله ای که بیش از هر موضوع دیگری جلب توجه می کند، خانه خرابی، فقر و نابودی امنیت شغلی زحمتکشان به موازات رشد و گسترش اقتصاد غیر مولد و دلالی و سیاست های اقتصادی مبتنی بر تشویق و حمایت از واردات است.

دولت نامشروع کودتا طی سالیان اخیر با اجرای نسخه های مخرب صندوق بین المللی پول و بانک جهانی صدمات بزرگی به تولید داخلی و صنایع کشور وارد آورده است که تاثیر مستقیم آن بر زندگی کارگران و زحمتکشان به اشکالی نظیر، قراردادهای موقت، اخراج های وسیع و کاهش سطح دستمزدها و فقر روز افزون نمایان گردیده است. به علاوه، وضعیت کنونی یعنی کاهش ظرفیت تولید، ورشکستگی کارخانه ها و رکود در صنایع که واردات سیل آسا و حرکت سرمایه از تولید به سوی فعالیت های غیر تولیدی هر دم آن را ژرف تر می سازد، سبب تضعیف جدی موقعیت، جایگاه و توان طبقه کارگر در ساختار اقتصادی و معادلات سیاسی کشور شده است. کارگران و زحمتکشان میهن ما درصاف مقدم مخالفت و مبارزه با اقتصاد دلالی و غیر مولد قرار دارند و از رشد تولید، شکوفایی اقتصادی و غلبه بر فعالیت های دلالی و سیاست مبتنی بر واردات حمایت می کنند.

بسیاری از موانع عینی و ذهنی موجود در جنبش کارگری به ویژه ضعف و پراکندگی اعتراضات، سطح نامناسب همستگی و ماهیت تدافعی اغلب اعتصابات و اعتراضات بزرگ و کوچک ناشی از رشد و رواج اقتصاد غیر مولد و تنزل کمی و کیفی جایگاه کارگران در ساختار اقتصادی موجود است. بنابراین منافع حال و آینده طبقه کارگر ایران با مساله پر اهمیت حمایت از تولید داخلی و صنعت گره خورده است. کارگران ایران با تمام وجود به نقش مخرب دولت ضد ملی کودتا در پیدایش و تحکیم چنین وضعیتی پی برده اند. عوام فریبی های احمدی نژاد دیگر در میان زحمتکشان تاثیر قابل توجهی نداشته و نخواهد داشت. تشدید جو امنیتی در واحدهای صنعتی و پیگرد کارگران مبارز و انواع توطئه ها و مانورهای فریبکارانه وزارت کار، بسیج کارگری، انجمن های اسلامی و نظایر آن دقیقا به همین علت است.

به عبارت دقیق تر، امروز بیش از هر زمان دیگری خواست اساسی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران یعنی احیای حقوق سندیکایی با سرنوشت استبداد ولایی و دولت نامشروع کودتا پیوند خورده است و هم از این روست که سازمان دهی مبارزات کارگری با تقدم برقراری و تحکیم رابطه با جنبش سراسری ضد استبدادی و وظیفه مبرم و اصلی مبارزان جنبش کارگری، فعالین سندیکایی و همه مدافعان حقوق و منافع زحمتکشان است.

جنبش کارگری ایران بدون پیکار با دولت کودتا و مبارزه برای تاثیر گذاری بر روند تحولات، خصوصا پایان دادن به سیاست حمایت از واردات و فعالیت های غیر تولیدی، نخواهد توانست به خواست های صنفی و سیاسی خود از جمله احیای حقوق سندیکایی دست پیدا کند. حضور موثر و جدی تر در جنبش همگانی ضد استبدادی با هدف برکناری دولت کودتا و طرد استبداد ولایی و وظیفه فوری جنبش کارگری در لحظه کنونی است!

## ورشکستگی صنایع، کاهش تولید و امنیت شغلی زحمتکشان

در حالی که دولت احمدی نژاد تمام امکانات خود را برای اجرای قانون هدفمند سازی یارانه سازمان داده و رییس دولت کودتا از کاهش نرخ بیکاری و رونق تولید دم می زند، بحران حاد در صنایع و کاهش ظرفیت تولید اغلب واحدهای صنعتی، موضوع تامین امنیت شغلی را به امری حیاتی برای طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما بدل ساخته است.

خبرگزاری ایلنا چندی پیش ضمن انتشار همایش هم اندیشی تشکل های کارگری، کارفرمایی و اقتصاد دانان، با اشاره به اینکه تولید ملی صرفه اقتصادی خود را از دست داده است از جمله نوشت: "متأسفانه اقتصاد کشور همواره برپایه فروش نفت و واردات بوده است و واردات به معنای اقتصاد غیر تولیدی است و اقتصاد غیر مولد رشد سرطانی در کشور داشته ... سرمایه در تولید به سوی فعالیت های غیر تولیدی می رود و این موضوع تاثیر بسیار نامطلوبی بر اقتصاد کشور دارد ... استفاده از کالای خارجی بدون اینکه شرمندگی در آن باشد، به راحتی تبلیغ می شود. بدترین نسخه برداری از نظریه های غربی در کشور ایجاد شده است. ۶ هزار تولید کننده صنایع بزرگ و ۴۰۰ هزار نفر در صنایع کوچک کشور فعال هستند و همه در حال حاضر در شرایطی نامناسب قرار دارند. ..."

علاوه بر این، کمیسیون صنایع مجلس گزارش داده است که، در سراسر کشور صنایع با ظرفیت کمتر از ۴۰ درصد کار می کنند و اخراج کارگران تحت عنوان تعدیل نیرو با شدت جریان دارد.

وضعیت چنان وخیم است که یک کار گروه مشورتی با نام کمیته رفع موانع تولید مرکب از مسئولان وزارت صنایع و معادن و اعضای اتاق بازرگانی تشکیل شده است و درصدد تهیه گزارشی جامع برای برون رفت از اوضاع بحرانی کنونی است. روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۳ خرداد ماه امسال، گزارش داد: "۲۰ هزار واحد نیمه تمام معطل ۵۲ هزار میلیارد تومان سرمایه است. معاون وزیر صنایع از وجود ۲۰ هزار واحد صنعتی نیمه تمام در کشور خبر داد و گفت، حل مشکل نقدینگی مورد نیاز این واحدها را در دستور کار داریم. ..."

اتاق بازرگانی نیز در گزارش کمیسیون صنعت خود خاطر نشان می سازد که، ۵۰ درصد واحد های تولیدی در اکثر مناطق در حالت رکود قرار داشته و هزاران تن بیکار شده اند. پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۹ خرداد ماه، در گزارشی با عنوان: "نگاهی به گزارش اقتصادی اتاق بازرگانی، روزهای بحرانی برای تولید ایرانی" با ذکر آمار به بررسی وضعیت ناگوار تولید پرداخته و از جمله یادآور شده است: "... در زمان حاضر تولید در کشور بدترین روزهای خود را سپری می کند ...، براساس گزارش کمیسیون صنعت اتاق ایران، ۵۰ درصد واحدهای تولیدی در اکثر مناطق صنعتی کشور در حال تعطیلی یا در شرف تعطیل شدن هستند ... اکثر واحدهای تولیدی و صنعتی بزرگ کشور با کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت اسمی خود مشغول به کار هستند ... برخی واحدهای تولید به دلیل شرایط اقتصادی مجبور به تعدیل نیروی انسانی هستند."

مطابق این گزارش منتشره در پایگاه اینترنتی کلمه، کاهش ظرفیت تولید، رکود بازار و کمبود منابع مالی مهم ترین عوامل ورشکستگی و رکود صنایع و واحدهای تولیدی به شمار آمده و با اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها و افزایش نرخ گاز، برق و به طور کلی سوخت که با یارانه های کنونی از مزیت نسبی در تولید و رقابت برخوردارند، واحدهای تولیدی با بازدهی بیش از ۷۰ درصد، واحدهایی مانند داروسازی، پودلا، سیمان و جز اینها با مشکل جدی روبه رو خواهند شد که نتیجه کاهش ظرفیت تولید و اخراج کارگران بویژه کارگران با سابقه و ماهر است. پایگاه اینترنتی کلمه در این باره می نویسد: "در همین حال در بخش دیگری از این نمونه به کاهش تعداد کارگران این بخش های تولیدی طی سال های ۸۶ تا ۸۷ اشاره شده است. در این بررسی مشخص شده است که جمع تعداد کارگران شاغل در این واحدهای تولیدی در سال ۸۶ برابر ۴۷ هزار و ۲۱۸ نفر بوده است که در سال ۸۷ با ۲ هزار و ۸۹۳ نفر کاهش، تعداد کل کارگران شاغل در این بخش به ۴۴ هزار و ۳۲۵ نفر رسیده."

در ادامه این گزارش تاکید شده میانگین اخراج کارگران در واحدهای تولیدی بین سال های ۸۶ و ۸۷ خورشیدی ۴۰ درصد بوده است که به طور مثال در برخی واحدهای بزرگ و راهبردی مانند کارخانه های مخابراتی ایران و ایران خودرو دیزل

## ادامه قرار داد صادرات گاز به پاکستان...

امضاء شد. با امضای این قرارداد، قرار است ایران از فروردین ۱۳۹۳ روزانه ۲۱ میلیون و ۵۰۰ هزار متر مکعب و سالانه ۸/۷ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی به کشور پاکستان صادر کند.

همچنین احداث فاز دوم خط هفتم سراسری به طول ۴۰۰ کیلومتر در مسیر ایرانشهر - چابهار - مرز پاکستان، کلید خواهد خورد. بخش نخست احداث این خط لوله ۵۶ اینچ به طول ۹۰۰ کیلومتر در مسیر عسلویه (پارس جنوبی) تا ایرانشهر پایان یافته است. ...

قرارداد صادرات گاز به پاکستان برای مدت ۲۵ سال است و دو کشور نسبت به تامین و خرید گاز در این مدت به یکدیگر تضمین داده اند. خروج هند از توافق سه جانبه، ارزش و اهمیت خط لوله ای را که به خط لوله صلح شهرت یافته بود به شدت متزلزل و ابهامات جدی را در متن و مضمون قرارداد سبب گردیده است.

در ابتدا قرار بود صادرات گاز ایران به هند و پاکستان باشد، اما هند به دلایلی از جمله امنیت عبور گاز از خاک پاکستان، قیمت گاز، موضوع پرداخت حق ترانزیت به اسلام آباد و دیگر ملاحظات سیاسی - اقتصادی از روند مذاکرات خارج شد. در عین حال برخلاف مدعیات دولت کودتا و توافق سه جانبه، ارزش و اهمیت خط لوله ای نیز تمایلی آشکار به استفاده از گاز ایران از طریق پاکستان نشان نداده است. در این زمینه و برای آنکه مدعیات کودتاچیان که اکنون به حراج ثروت ملی کشور مشغول هستند، افشاء شود سخنان معاون وزیر انرژی پاکستان گویا و کافی است. به گزارش روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۴ خرداد ماه امسال، معاون وزیر انرژی پاکستان هرگونه مذاکره با چین برای استفاده از خط لوله "صلح" را رد کرد. او اعلام داشت: "... اجرای این قرارداد نخستین پروژه تامین نیاز انرژی پاکستان در بخش خط لوله گاز است. پاکستان در این زمینه مذاکراتی با چین و هند نداشت است. ..."

وزیر نفت دولت کودتا در مراسم امضاء نهایی این قرارداد مغایر با منافع ملی و حقوق حقه ایران، خاطر نشان ساخته بود که، ضمیمه های فنی اجازه ترانزیت گاز از پاکستان، ضمانت دولت پاکستان، مصوبات هیات مدیره با شرکت ایرانی و پاکستانی طرف قرارداد امضاء شده و آخرین ضمیمه که مربوط به اجرایی شدن قرارداد است نیز امضاء شد و بنابراین از سال ۱۳۹۳ گاز به پاکستان صادر می گردد.

## تعهد ۲۵ ساله و مبلغ نامشخص قرارداد

قرارداد با پاکستان بی شک دربرگیرنده حقوق و منافع میهن ما نیست. میرکامپی وزیر نفت در مراسم امضاء نهایی قرار داد با صراحت گفته بود: "با توجه به ملاحظاتی که وجود دارد، هم اکنون نمی توان ارزش مالی قرارداد را اعلام کرد و در شرایط کنونی، مشخصات فنی قرارداد از ارزش مالی آن مهم تر است." نکته شایان توجه در امضاء این قرارداد غیاب نمایندگان رسانه های همگانی بود. شگفت آور است که وزیر نفت جمهوری اسلامی با اشاره به جنبه راهبردی صادرات گاز به شبه قاره هند و سپس آسیا از طریق خط لوله مذکور، ملاحظاتی را مانع از اعلام مبلغ آن می کند! در این زمینه پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۵ خرداد ماه، در مطلبی تحت عنوان: "حراج گاز ایران به پاکستان در پوشانی خبری، مردم حق ندارند با خبر باشند!"، از جمله یادآور گردید: "پس از سال ها بحث برسر فروش گاز ایران به کشورهای هند و پاکستان تحت عنوان خط لوله صلح، آخرین ضمیمه این قرارداد گازی ... به امضاء مقامات دو کشور رسید ... این درحالی است که در مورد ارزش مالی این قرارداد کلان چندین میلیارد دلاری هیچ اطلاعاتی ارائه نشده است و مردم به دلیل ملاحظاتی نامعلوم، نامحرم در این معامله بیست و پنج الی سی ساله هستند ... تعیین فرمول محاسبه بسیار پیچیده و از طرفی حساس می باشد. جالب اینجاست که میرکامپی (وزیر نفت دولت کودتا) به طرز بسیار ساده و بی اهمیتی فرمول محاسبه را برای صادرات گاز ایران به همه کشورها یکسان می داند که همین نکته کوچک نشان می دهد که طرف مقابل به چه میزان از بی تجربگی و کم خردی طرف معامله خود استفاده خواهد برد ... معلوم نیست در

شرایط انزوای سیاسی ایران در عرصه بین المللی چه اصراری وجود دارد که این قرارداد در ضعیف ترین شرایط دستگاه دیپلماسی خارجی نهایی گردد، تا اما و اگر های امتیاز دهی به کشورهای همسایه برای سکوت در برابر سرکوب معارضان در داخل به ذهن متبادر نگردد؟ چه ضرورتی دارد که این قرارداد برای مدت ۲۵ سال که حد نهایی برای چنین قراردادهایی است بسته شود؟ در شرایطی که قیمت گاز هر روز بالاتر می رود و بشر هر سال بیشتر به بهای واقعی این سرمایه تمام شدنی پی می برد. ...

## سپاه پاسداران و صادرات گاز به پاکستان

هنگام عقد قرارداد، وزیر نفت دولت کودتا به نکته ای اشاره کرد که می تواند در ایهام زدایی از علت تعجیل در امضاء قرارداد و مسکوت گذاشتن مبلغ آن به ما یاری رساند.

وی گفته بود: "منبع تامین گاز خط لوله ایران - پاکستان (وی دیگر رسماً عنوان خط لوله صلح را به کنار نمی برد) میدان گازی پارس جنوبی است، هم اکنون این خط لوله ۵۶ اینچ به طول ۹۰۰ کیلومتر از عسلویه تا ایرانشهر اجرا شده و ظرفیت انتقال گاز آن روزانه ۱۱۰ میلیون مترمکعب است. همچنین ادامه این خط لوله از ایرانشهر تا چابهار و از آنجا تا مرز پاکستان به طول ۴۰۰ کیلومتر اجرا می شود. ..."

مجرى این طرح های سود آور قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه پاسداران است و همین قرارگاه با شرکت های متعدد خود از زمره حامیان امضا قرارداد با پاکستان هستند. مافیای نظامی - امنیتی که بر شاهرگ اقتصادی کشور چنگ انداخته با اعمال نفوذ سبب امضاء قراردادی به شدت زیانبار برای منافع ملی ایران گردیده است. نمی توان از نظر دور داشت که در طرف مقابل یعنی پاکستان نیز احتمال اعمال نفوذ ارگان نظامی پرنفوذ این کشور که اتفاقاً با سپاه پاسداران نیز همواره در تماس بوده اند، منتفی نیست. همزمان بودن اعطای قرارداد ۲۱ میلیارد دلاری شش فاز میدان گازی پارس جنوبی به شرکت های داخلی که اغلب آنها وابسته به سپاه پاسداران هستند، با امضاء نهایی قرارداد صادرات گاز به پاکستان مویذ این ادعا بوده و نشانگر نقش مخرب یک ارگان نظامی - امنیتی در حیات میهن ماست! احمدی نژاد در سفر به منطقه پارس جنوبی - عسلویه - و در مراسم امضای شش فاز بزرگ پارس جنوبی اظهار داشت: "امروز بزرگترین قرارداد تاریخ صنعت نفت کشور امضاء شد."

مطابق گزارشات، قرارداد فاز ۱۳ به کنسرسیومی از شرکت های "پتروپایدار ایرانیان"، "مینا" و "صدرا" واگذار شد و در فاز ۱۴ نیز "سازمان گسترش و نوسازی صنایع (ایدرو)" و "شرکت تاسیسات دریایی مشارکت خواهند داشت. فاز ۱۹ پارس جنوبی به "پتروپارس" و شرکت "تاسیسات دریایی" واگذار گردید و فازهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ نیز به شرکت های "پتروسینا آریا" و "صدرا" تعلق گرفت.

شرکت های صدرا، تاسیسات دریایی، پتروسینا آریا، پترو پایدار ایرانیان و مینا از شرکت های وابسته به قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه پاسداران هستند. پیش از امضاء این قراردادهای فازهای ۱۵ و ۱۶ میدان عظیم گازی پارس جنوبی به سپاه پاسداران واگذار شده بود و اینک با این قرارداد، سپاه پاسداران به بزرگ ترین و پرنفوذ ترین شرکت فعال در صنعت نفت ایران بدل شده و امکانات آن از شرکت ملی نفت ایران هم فراتر رفته است! به دلیل همین نفوذ و امکانات وسیع است که سپاه توانسته و می تواند در عقد قراردادهای و توافق نامه های مهم که با منافع و امنیت ملی کشور پیوند می یابد، اعمال نظر و مداخله کند.

## بازگشت کاپیتولاسیون

یکی دیگر از نکات این قرارداد، امضاء آن خارج از خاک ایران و در محل سفارت کشورهای اروپایی است و تعیین قیمت صادرات گاز توسط شرکت های خارجی، امری که هرگز توسط یک کشور مستقل انجام نمی شود. هادی نژاد حسینیان، معاون سابق امور بین المللی وزارت نفت، اخیراً نامه ای به مسئولین وزارت نفت دولت کودتا ارسال کرده که از هر جهت افشاگرانه است. او زمانی که در وزارت نفت مسئولیت داشت با امضاء قرارداد با پاکستان به علت مبلغ آن که به زیان ایران بود، مخالفت کرده بود. اینها، ۳۰ خرداد ماه، نامه نژاد حسینیان را به چاپ رسانده که در آن خاطر نشان می شود: "... بخشی از اسناد قرارداد خط لوله گاز به پاکستان در اسفند ماه در ترکیه و اسناد نهایی آن در تاریخ ۷ خرداد ماه ۸۹ در سفارت فرانسه در اسلام آباد، به امضاء رسید. اعلام این خبر که به نوعی بازگشت کاپیتولاسیون به کشور را هشدار می داد به حق نگرانی هایی را مطرح نمود، با استناد به اخبار منتشره فوق، اینجانب به عنوان یک شهروند در تاریخ ۱۰ خرداد ۸۹ طی نامه ای به وزارت نفت، هفت سوال مطرح و خواستار جواب آنها برای رفع ایهام شدم ... وزارت نفت به جای پاسخ ... ضمن تکذیب ... با جملاتی نامناسب



به کمیته های انضباطی، ستاره دار ساختن فعالان و مبارزان جنبش دانشجویی، مقابله با بی حجابی و مواردی از این دست، در سطحی گسترده در کلبه دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور جریان دارد. خبرگزاری هرانا ۳۰ خرداد ماه اعلام داشت: "معاون دانشجویی دانشگاه تبریز در باره تعداد احضار دانشجویان بد حجاب به کمیته انضباطی گفت، تاکنون از حدود ۷۰ دانشجوی بد حجاب تعهد اخذ شده است ... از طریق انتظامات دانشگاه، هنگام ورود، پوشش دانشجویان مورد نظارت قرار می گیرد. در جلسات متعدد به ویژه جلسات شورای دانشگاه از روسای دانشکده ها و اساتید خواسته می شود که در مبارزه با بدحجابی سهیم شوند." موضوع مبارزه با بد حجابی در دانشگاه ها به مستمسکی در دست حراست و بسیج دانشجویی تبدیل گردیده تا دانشجویان را زیر فشار و تهدید دایمی داشته باشند. در دانشگاه تهران پس از گردهمایی اعتراضی روز ۲۲ خرداد (سالگرد کودتای انتخاباتی)

بیش از ده ها دانشجو خصوصا از دانشکده های ادبیات و علوم انسانی، هنر، فنی و دامپزشکی به اتهام "ایجاد اغتشاش" و توهین به رهبری به کمیته انضباطی احضار شدند. دانشجو نیوز ۳۰ خرداد گزارش داد که دست کم یازده دانشجوی دانشکده ادبیات و ۲۰ دانشجو از دانشکده های دیگر به کمیته های انضباطی احضار و تهدید به صدور احکام انضباطی سنگین مانند اخراج، محرومیت از تحصیل و تعلیق ترم های تحصیلی شده اند. همچنین برخی از این دانشجویان توسط وزارت اطلاعات تهدید تلفنی شده و به آنها اخطار گردیده در صورت ادامه مبارزه دستگیر خواهند شد. علاوه بر این مطابق گزارش دانشجو نیوز ۱۴ تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف به دلیل سردادن شعارهای شبانه بویژه شعار مرگ بر دیکتاتور در سالگرد کودتای انتخاباتی به کمیته انضباطی فراخوانده و مورد تهدید قرار گرفتند. در این باره دانشجو نیوز نوشت: "فعالین دانشگاه صنعتی شریف به دفتر پیگیری اطلاعات احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند." در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) نیز کودتاچیان برابعد فشارها بر جنبش دانشجویی افزوده اند. به گزارش هرانا ۲۹ خرداد ماه، تاکنون کمیته های انضباطی، محرومیت بیش از تحصیل ۴۰ دانشجو را تایید و احکام تعلیق بیش از ۱۵ نفر دیگر در دست بررسی است. هرانا می نویسد: "با صدور احکام جدید، بنابه اطلاعات واصله تعداد حکم های انضباطی به حداقل ۶۰ عدد رسید، و این تعداد دانشجو به مدت حداقل دو ترم از تحصیل محروم و تا انتهای تحصیل نیز از خدمات رفاهی و خوابگاه دانشگاه محروم خواهند بود ... اطلاعات سپاه پاسداران و همچنین ستاد تامین استان تهران مستقیما پیگیری اوضاع دانشگاه را برعهده دارند ...".

در همین احوال برپایه گزارشات منتشره بازداشت شماری از مبارزان جنبش دانشجویی در برخی مراکز آموزش عالی همچون دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه های اهواز، زنجان، رشت و کرمانشاه توسط وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران صورت گرفته است. در استان های هرمزگان، بوشهر و کردستان تعدادی از دانشجویان دانشگاه آزاد دستگیر و روانه زندان گردیده اند. یکی از آخرین نمونه ها، احضار گسترده فعالین دانشجویی تبریز بود که در تاریخ ۵ تیر ماه امسال بازتاب رسانه ای پیدا کرد. اعمال فشار دایمی و برخورد شدید و گسترده با دانشجویان جزء جدایی ناپذیر برنامه سرکوب جنبش مردمی است!

### "عفو" یا تهدید!

### قدرت نمایی با تهدید و ارعاب خانواده های بی پناه

پس از آنکه سازمان بین المللی کار (آی-ال-او) از موافقت قوه قضاییه جمهوری اسلامی برای آزادی منصور اسالو رییس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد خبر داد، برخی انتظار داشتند، رژیم ولایت فقیه با پایبندی به تعهد خود، این مبارزه جنبش سندیکایی را فوراً آزاد ساخته و دست از تهدید خانواده او بردارد. برخلاف چنین انتظاری مأموران امنیتی روز چهارشنبه ۲ تیرماه زویا صمدی یکی از اعضای خانواده او (همسر فرزندش) را ربوده و پس از ضرب و شتم و آزار روحی و جسمی، وی را با بدن مجروح در خیابانی خلوت رها ساختند.

خبرگزاری حقوق بشر ایران در این باره گزارش داد: "... مأمورین وزارت اطلاعات در مقابل چشم مردم که شاهد صحنه بودند ... درحالی که او را از موهایش گرفته بودند و روی زمین می کشاندند، وی را مورد ضرب و شتم قرار می دهند، بعد از بازداشت، وی به مدت چهار ساعت به مکانی نامعلوم برده می شود. مأموران در خلال شکنجه به او می گویند، باید تعهد بدهی که اگر اسالو آزاد شد نباید



### اعتراض کارگران پالایشگاه آبادان

صبح روز دوشنبه ۷ تیر ماه، گروهی از نفتگران با برپایی حرکتی اعتراضی در برابر درب اصلی پالایشگاه آبادان گرد هم آمدند. منابع خبری تعداد شرکت کنندگان این گردهمایی اعتراضی را حدود یکصد تن برآورد کرده اند. خبرگزاری هرانا ۸ تیرماه در گزارشی یادآور شد: "همزمان با تجمع گروهی از کارگران معترض در تهران، جمعی از کارگران پالایشگاه آبادان در جنوب ایران نیز، به دلیل بیکاری خود، در مقابل در اصلی آن پالایشگاه دست به تجمع زده و باعث انسداد موقت در و توقف عبور و مرور شدند ... بعد از ساعتی نیروی انتظامی در محل تجمع حضور پیدا کرد و کارگران بدون ایجاد درگیری صحنه را ترک کردند. در اقدام بعدی، کارگران معترض با تجمع و با دراز کشیدن مقابل درب ورودی، کاملاً مسیر رفت و آمد را مسدود کردند ... در جریان این اقدام، دو نفر از کارگران ... توسط چند لباس شخصی و با ضرب و شتم مجبور به سوار در یک دستگاه ماشین شده و هنوز خبری از مکان دستگیری و وضعیت آنها منتشر نشده است ...".

وضعیت زندگی و امنیت شغلی کارگران و زحمتکشان میهن ما بسیار ناگوار است. از ابتدای سال جاری خورشیدی درصد بزرگی از کارگران اخراج شده، خود و خانواده هایشان در فقر و تیره روزی بسر می برنند! مبارزه برای تامین خواست های سیاسی و صنفی کارگران، تقویت تشکل های مستقل-سندیکاها- و پیوند مستحکم با جنبش سراسری ضد استبدادی یگانه راه برون رفت از وضعیت دردناک کنونی است. از این رو جنبش اعتراضی از جمله حرکت اعتراضی اخیر در پالایشگاه نفت آبادان و دیگر اقدام های کارگران در مخالفت با اخراج ها، قراردادهای موقت، خصوصی سازی و قانون هدفمند سازی یارانه ها و جز اینها، نمی تواند از همراهی و هماهنگی همه نیروهای مخالف کودتای انتخاباتی برخوردار نشده و پشتیبانی قاطع احزاب و نیروهای ترقی خواه و میهن دوست ضد استبداد را کسب نکند. همبازی و حمایت قاطع از جنبش کارگری و پشتیبانی از اعتراضات زحمتکشان وظیفه مبرم تمامی احزاب آزادیخواه است!

### برخورد شدید و گسترده با دانشجویان

ارتجاع حاکم با توسل به انواع شیوه ها جنبش دانشجویی را زیر فشار خود گرفته است. احضار

حاوی دروغ محسوب می گردد. اعترافات اجباری، نشر دروغ، جو سازی، تحریف تاریخ و شایعه پراکنی از ویژگی های جدایی ناپذیر رژیم ولایت فقیه است!

### نصب دوربین مدار بسته در مدارس

سرانجام وزارت آموزش و پرورش دولت کودتا نظر و دیدگاه خود برای کنترل مدارس و مراکز آموزشی کشور را به کرسی نشاند. خبرگزاری مهر ۲۶ خرداد ماه در خبری اختصاصی گزارش داد: "دبیر شورای عالی آموزش و پرورش از صدور مجوز نصب دوربین مدار بسته در مدارس و قانونی شدن آن خبر داد و گفت، طبق این بخشنامه مدیران مدارس می توانند دوربین های مدار بسته را ... در مکان های حساس و خطرناک مدارس نصب کنند."

همچنین مدیر کل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات مردمی آموزش و پرورش شهر تهران نیز یادآوری کرد: "نصب دوربین های مدار بسته در مدارس با هماهنگی حراست منطقه و سازمان آموزش و پرورش انجام می شود." نصب دوربین در مدارس و کنترل دایمی آموزگاران و دبیران از هدف های اصلی دولت احمدی نژاد در سال های اخیر بوده است. از سال گذشته و همزمان با تظاهرات بر ضد کودتای انتخاباتی، مساله نصب دوربین وارد مرحله جدیدی شد که سرانجام با موافقت شورای عالی انقلاب فرهنگی و توصیه های وزارت اطلاعات و سپاه صورت "قانونی" به خود گرفت. وزیر آموزش و پرورش در اواخر سال قبل با اشاره به کمبود مربی پرورشی (که شامل طلاب و اوفاد بسیج است) و معاونت انضباطی درخواست تصریح در امر نصب دوربین های مدارس بسته در مدارس را کرده بود.

این اقدام با مخالفت کارشناسان و مربیان علوم تربیتی، فرهنگیان متعهد و خانواده دانش آموزان روبروست. یکی از کارشناسان به خبرگزاری ایسنا ۲۹ خرداد ماه خاطر نشان ساخت: "نصب دوربین در مدارس و آموزشگاه ها تبعات منفی تربیتی به شدت زیانباری به همراه دارد. دانش آموزان زیر فشار و فضای ناشی از دوربین ها دچار افسردگی و دوگانگی شخصیتی می شوند. کنترل و نظارت دایمی معلمان توسط دوربین مدار بسته نیز با موازین تربیتی جهان معاصر انطباق ندارد...". نصب دوربین های مدار بسته در مدارس کشور و کنترل دایمی فرهنگیان و دانش آموزان ماهیت قرون وسطایی و واپس مانده نظام آموزشی بی را ثابت می کند که طی سه دهه اخیر ضربات جبران ناپذیری بر بنیان های علمی، فرهنگی و آموزشی کشور وارد آورده است.

### ورود میلیاردها دلار کالای قاچاق

رییس هیات مدیره انجمن صنایع شوینده، بهداشتی و آرایشی ایران در گفتگویی با خبرگزاری ایسنا ۱۶ خرداد ماه متذکر شده بود که، واردات افسار گسیخته لوازم آرایشی و شوینده در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال قبل آن، بیش از ۵۲ درصد افزایش نشان می دهد. در همین حال دبیر انجمن تولید کنندگان پولااد به خبرگزاری ایلنا یادآور گردید، با واردات وسیع چند سال اخیر، ایران دومین کشور جهان در واردات خالص پولااد (واردات منهای صادرات) بدل شده است و ۵۰ درصد کل بازار پولااد در اختیار شرکت ها و کشورهای خارجی است، در حالیکه کارخانه های نورد و صنایع پولااد داخلی فقط با ۳۰ درصد ظرفیت تولید فعالیت می کنند. اما مهمترین و شگفت انگیز ترین خبر در خصوص واردات و پشتیبانی دولت و نهادهای مختلف از تجار عمده، انتشار گزارش ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز بود. دنیای اقتصاد ۱۳ خرداد ماه در این باره گزارش می دهد: "طبق آمار اعلام شده حجم مالی کالاهای قاچاق شده در سال ۱۳۸۷ برابر ۱۹ میلیارد دلار بوده است، ۱۶ میلیارد دلار از این رقم مربوط به قاچاق کالاهای وارداتی و ۳ میلیارد دلار دیگر نیز مربوط به قاچاق کالاهای صادراتی است...". از سوی دیگر رییس هیات تحقیق و تفحص ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز اعلام داشت: "از ۵۰۰ هزار میلیارد ریال کالای وارداتی، ۱۹۰ هزار میلیارد ریال از راه قاچاق وارد کشور شده است". (ایلنا ۱۴ خرداد ماه ۸۹)

یکی از مراکز مبادی ورود کالاهای قاچاق به درون و نیز انتقال کالاهای ایرانی به صورت قاچاق به بیرون مرزهای کشور، اسکله های غیر قانونی و فعالیت شرکت های سپاه و بنیادهای انگلی است که از نظارت و کنترل گمرکات کشور و دیگر دستگاه های مسئول خارج بوده و اصولا هیچ نظارت و کنترلی بر کار آنها اعمال نمی شود. پدیده کالاهای قاچاق و نیز قاچاق ارز که سالانه میلیاردها تومان به اقتصاد میهن ما خسارت وارد می آورد، بطور عمده از سوی نهادهای فراقانونی حمایت و همیاری می شود. در دوران ریاست جمهوری خاتمی قاچاق نفت و قیر به پاکستان و گازوییل و بنزین به ترکیه افشاء شد که در آن برخی مسئولین ارشد نظام و فرماندهان سپاه پاسداران نقش داشتند. هنوز افکار عمومی کشور ما ماجرای مبادله (سوپ) نفت از جمهوری اسلامی به نخبوان در قفقاز را فراموش نکرده است، ماجرابی که در دوران استانداری احمدی نژادی در اردبیل اتفاق افتاد و افرادی نظیر صادق محصولی و علی آبادی دو تن از نزدیکان رییس جمهوری کنونی را میلیارد ساخت! پدیده قاچاق ارز و کالا در جمهوری اسلامی با سرشت و هویت این حکومت رابطه ناگسستی دارد!

### ادامه رویدادهای ایران ...

درباران بماند و کاری انجام دهد...". این حرکت، آن هم پس از انتشار خبر موافقت قوه قضاییه با آزادی منصور اسالو، تهدید رسمی و آشکار وی و یک فضای سازی حساب شده، با هدف ارعاب و ترساندن این مبارز سندیکیایی و سایر فعالین ثابت قدم جنبش کارگری است. در عین حال تهدید خانواده منصور اسالو پیام دیگری هم برای جنبش کارگری ایران به همراه دارد. امسال سازمان بین المللی کار (آی-ال-او) جمهوری اسلامی را از لیست ویژه پایمال کنندگان حقوق کار و مقاله نامه های بین المللی حذف کرد. اقدامی که مورد انتقاد و اعتراض به حق جنبش سندیکیایی کشور است. سازمان بین المللی کار در گزارش سالانه خود فقط به جمهوری اسلامی انتقاد نموده و به همین مقدار بسنده کرد. تهدید خانواده اسالو، دستگیری فعالین سندیکیایی پس از این اقدام سازمان بین المللی کار در حقیقت حرکتی برای قدرت نمایی است. به این شیوه کودتاچیان اینگونه نشان می دهند که حاضر به عقب نشینی نشده به زعم خود و از موضع قدرت برخورد می کنند! جنبش کارگری ایران با ریشه های ژرف خود، هرگز با چنین اعمال و شیوه های ضد انسانی، متوقف نشده و نخواهد شد. مبارزه زحمتکشان برای تامین حقوق صنفی و سیاسی با قدرت ادامه خواهد داشت!

### نهادهای امنیتی و نشر اکاذیب درباره فعالان حقوق بشر

دبیرخانه مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران با انتشار اطلاعیه ای مطبوعاتی (۳۰ خرداد ۸۹) با محکوم ساختن جو سازی و جنگ روانی-تبلیغاتی کودتاچیان بر ضد این نهاد مستقل به افشای برخی برنامه های تخریبی پرداخته است. در این اطلاعیه مطبوعاتی آمده است: "با جدی تر شدن چالش حکومت ایران در قبال حقوق بشر به خصوص در جامعه بین المللی، سیاست دستگاه امنیتی آن نه بر اساس توجه به اسناد و مدعیات سازمان های مدافع حقوق بشر بلکه بر تخریب آنان و فرار از واقعیت موجود شکل گرفته است... سناریو سازان ویدیویی (منظور نمایش فیلم های مستند خلاف واقع از صدا و سیما است) اخیر درامتداد تخریب های رسانه ای قبلی ... با تحریف تاریخچه مجموعه (فعالان حقوق بشر) و تخریب افراد ... به زعم خود که به واسطه در اختیار گرفتن آلبوم های خانوادگی افراد و گروگان گرفتن اعضای خانواده های آنان صورت می گیرد به تخریب کلیت مجموعه بپردازند."

در ادامه این اطلاعیه مطبوعاتی با اشاره به پخش اعترافات اجباری قربانیان شکنجه و تاکید بر این امر که اعترافات دروغ اجباری سابقه طولانی در جمهوری اسلامی دارد، خاطر نشان می گردد: "... تطمیع فعالین سیاسی-اجتماعی و توسل به زور در برابر پایداری ایشان نسبت به عدم پذیرش اعمال انتسابی، دارای سابقه طولانی در جمهوری اسلامی ایران است و کیست که نداند فارغ از بازداشت های غیر قانونی، شکنجه های اعمال شده، در شرایطی که هنوز و کلا نتوانسته اند بعد از ماه ها موکلان خود در این پرونده را ملاقات کنند و هستند افرادی که همچنان ممنوع الملاقات در سلول انفرادی نگهداری می شوند و همینطور اساسا از اتهامات بسیاری از افراد بازداشت شده اطلاع در دست نیست، این عمل کلیشه ای مقابل دوربین نشستن بر اساس آموزه تاریخی و اسناد موجود بر اثر جبر، فشار و شکنجه صورت می گیرد...".

اطلاعیه مطبوعاتی مجموعه فعالان حقوق بشر در اوضاعی انتشار یافته است که طی هفته های اخیر چند فیلم "مستند" سراسر دروغ از صدا و سیما درباره فعالان سیاسی-اجتماعی و مدافعان حقوق بشر پخش شده است که در حقیقت مکمل اعترافات اجباری شکنجه شدگان و انتشار کتاب و جزوات

## ادامه قوه قضائیه ضد مردمی رژیم ...

۲۶۲].

آیا روشن تر، گویاتر و دقیق تر از این می توان رفتار و عملکرد قوه قضائیه و گردانندگان رژیم ولایت فقیه را به تصویر کشید؟

محاکمات نمایشی امروز، فجایی نظیر کهریزک، دستگیری های گسترده و سیاست حاکم بردستگاه قضایی رژیم در حال حاضر ادامه همین سیاست ها و رفتار ضد انسانی و وحشیانه است. دومین سند نیز نامه زنده یاد هوشنگ قربان نژاد، عضو رهبری حزب ما و از خوشنام ترین زندانیان سیاسی دوران استبداد سلطنتی است. او در فاجعه ملی طی محاکمات چند دقیقه ای به همراه هزاران فرزند دلیر و قهرمان مردم اعدام شد. رفیق شهید قربان نژاد، در مقایسه زندان های دو رژیم استبدادی، در نامه سرگشاده ای به تاریخ اول مرداد ماه ۱۳۶۶ از داخل زندان گوهر دشت به مقامات دادستانی انقلاب اسلامی تهران، نوشته است: "... سوال من این است، در عصری که ما زندگی می کنیم، درجای دنیا و در کدام یک از کشورهای که در شروع نامه ام نام برده ام، صرفا به خاطر دویین، زندانیان را این چنین بی رحمانه زیر شکنجه و آزار و توهین قرار می دهند؟ یقین دارم جوابی ندارد. باید اضافه کنم در زندان های دوران ستم شاهی که تقریبا سیزده سال را در آنها به سر برده ام، هرگز مشابه با چنین صحنه هایی برخورد نکرده ام. درخاتمه ضمن اعتراض به این رفتار موهن و غیر انسانی، علیه همه آنها (اعم از کسانی که نام برده ام و آنهايي که نا شناخته مانده اند) که در اجرای این برنامه شرکت داشتند، اعلام جرم می کنم و تقاضای رسیدگی و پیگیری سریع دارم." [شهیدان توده ای، صفحه ۳۷۲].

به این اعلام جرم و تقاضای رسیدگی هرگز پاسخی داده نشد، همچنانکه به طرح تحقیق و تفحص از بازداشتگاه ها پاسخی داده نشده و نخواهد شد!

عملکرد دستگاه قضایی و ماهیت واپس مانده آن مانعی جدی در راه تحقق حقوق دموکراتیک فردی و اجتماعی مردم میهن ماست.

بی قانونی تا به آن درجه است که حتی گزارشات عناصر وفادار به حاکمیت و مدافع کودتای انتخاباتی درخصوص تحقیق و بررسی حمله شبانه لباس شخصی ها و نیروهای ویژه سپاه پاسداران به کوی دانشگاه و مجتمع مسکونی سبحان در ۲۵ خرداد سال گذشته، انکار شده و افراد مورد تهدید و ارباب قرار می گیرند. همه این مسایل به معنی آن است قوه قضائیه که باید به صورت مستقل، حافظ قانون و مدافع حقوق مردم باشد، کاملا و یکجا در خدمت ماشین سرکوب و تحت فرمان ولی فقیه قرار دارد و خود یکی از پامال کنندگان اصلی قانون و حقوق مردم بوده و هست. سی سال محاکمات نمایشی، بازداشت های غیر قانونی، شکنجه و اخذ اعترافات اجباری و اعدام های وحشیانه موید این ادعاست و پرده از ماهیت واقعی رژیم ولایت فقیه و دستگاه قضایی آن بر می افکند!

## ادامه قرار داد صادرات گاز به پاکستان...

اتهاماتی را مبنی بر جعل خبر به اینجانب نسبت داده است ... امضاء سند نهایی در سفارت فرانسه در اسلام آباد طرح از پیش تدوین شده مدیران وزارت نفت و شرکای پاکستانی آنها بود. ..."

هادی نژاد حسینیان سپس می افزاید: "... با شناختی که اینجانب از کارکنان صدیق، پاک و کاردان صنعت نفت دارم مطمئن هستم که هیچگاه امضای آنها زیر قراردادهایی که منافع ملی را تضمین نکرده باشد، نخواهد رفت ... در چنین شرایطی ... انتظار از نمایندگان محترم (مجلس) این است تا هنگامیکه گروهی از کارشناسان مستقل قرارداد مذکور را مورد تایید قرار نداده اند از اجرایی شدن آن جلوگیری نمایند." در عین حال پایگاه ندای سبز آزادی، ۳۰ خرداد، نیز در گزارشی از مجلس، خبر داد: "سوال نماینده مرند و جلفا درباره خط لوله صلح از وزیر نفت، باوجود آنکه بسیاری از طرح های وزارت نفت به علت کمبود سرمایه متوقف شده چرا این وزارتخانه با هزینه ای حدود ۳ میلیارد دلار به احداث خط لوله ۹۰۰ کیلومتری ... اقدام کرده است؟ وزیر وقت نفت در سال ۱۳۸۵ (دولت احمدی نژاد) تیم مذاکره کننده را حذف و فردی را به نام نماینده خود معرفی می کند ... شرکت گالفین گلاین (یک شرکت عمدتا اروپایی) قیمت گاز را در قرارداد تعیین می کند ... نماینده مرند و جلفا با طرح این سوال که نقش آقای اسفندیار رحیم مشایی در قرارداد خط لوله صلح چه بوده از نمایندگان خواست نسبت به قرارداد های نفتی حساس باشند. ..." و سرانجام اینکه، دولت پاکستان اعلام داشته، درخصوص قرار داد مذکور تحریم های بین المللی را نقض نخواهد کرد.

قرارداد صادرات گاز به پاکستان به شدت به زیان منافع ملی ایران بوده و با اعمال نفوذ نهادهای امنیتی - نظامی به کشور تحمیل شده است.

انتخابات ریاست جمهوری در نامه ای به هیات رییس مجلس شورای اسلامی با طرح ۹ سرفصل، از تخلفات گسترده در حوزه بازداشت ها، بازجویی ها و محاکمات غیر قانونی چهره های سیاسی، مطبوعاتی و زندانیان سیاسی، خواستار تحقیق و تفحص مجلس از این روند شدند. محسن امین زاده، مصطفی تاج زاده، عبدالله رمضان زاده، محسن صفایی فراهانی، فیض الله عرب سرخی، محسن میردامادی و بهزاد نبوی که این نامه را امضاء کرده اند از هیات رییس مجلس خواستند تا با تحقیق و تفحص خود، میزان رعایت قوانین جمهوری اسلامی ایران را در مورد بازداشت ها و محاکمه های انجام شده به اطلاع ملت ایران برساند ..."

همین درخواست و حرکت کاملا علنی و قانونی، خشم دادسرای انقلاب اسلامی را برانگیخته و موجبات تهدید و ارباب به اشکال گوناگون را فراهم ساخته است. پرواضح است کارنامه سه دهه اخیر جمهوری اسلامی به ویژه در زمینه قانون گرایی و عملکرد قوه قضائیه، موضوع اداره زندان ها، بازداشت و محاکمه افراد و برخورد با احزاب و سازمان های مترقی و آزادی خواه کارنامه ای سیاه و خونین است که در تاریخ معاصر میهن ما نمونه و نظیر آن کمتر دیده شده است. آنچه در یک سال اخیر شاهد بوده ایم، ادامه و تداوم سیاست هایی است که در سی سال اخیر درقبال نیروهای چپ، ملی، آزادی خواه و دگراندیشان به اجرا گذاشته شده است.

درفرنگ دادرهای انقلاب اسلامی موضوعی به نام "قانون" هرگز وجود نداشته است. دستگیری ها، شکنجه، محاکمه و اعدام ها که آخرین آن اعدام ظالمانه ۵ زندانی سیاسی (کمانگر، علم هولی و ...) بود، خود گواه این واقعیت است!

برای شناخت ماهیت و عملکرد دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی و اصولا چگونگی برپایی دادگاه ها و رعایت ضوابط قانونی در زندان ها که در نامه هفت زندانی سیاسی به حق و به درستی تحقیق و سپس اعلام آن به مردم خواسته شده است، نگاهی به دو سند با ارزش تاریخی که از درون زندان های جمهوری اسلامی در دهه خونین شصت به بیرون فرستاده شده، ضرور، مفید و افشاگرانه است. زنده یاد دکتر احمد دانش شریعت پناهی، عضو رهبری حزب ما، در نامه ای سرگشاده به آیت الله منتظری به تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۶، یعنی یک سال قبل از فاجعه ملی قتل عام زندانیان سیاسی، در توصیف چگونگی تشکیل دادگاه و صدور حکم از جمله نوشته است: "... از آنچه که در هنگام به اصطلاح بازجویی ها گذشته است، می گذرم. بیشتر جلسات، شکنجه روانی و جسمی بود تا جلسه بازجویی، در همه این جلسات متهم با چشم بسته شرکت می کرد و همه آنها با فحاشی شدید و کتک همراه بود. بیش از یکسال و نیم از هر گونه ملاقات با خانواده خود محروم بودم ... بالاخره پس از بیش از دو سال زندانی بودن در شرایط سخت و بلا تکلیفی، یک روز صبح زود مرا صدا کردند، مانند همیشه با چشم های بسته از سلول بیرون آمدم و توسط مأمورین به اطاقی هدایت شدم. در آنجا برای اولین بار اجازه یافتم که چشم بند خود را بردارم. روحانی جوانی پشت یک میز تحریر نشسته بود و من فکر کردم این جلسه ادامه بازجویی های سابق و برای جمع و جور کردن پرونده است. زیرا همان سوال های دوران بازجویی های کذایی مطرح بود و از جمله سوال ها اینکه آیا شما هنوز برسر عقاید خود باقی هستید؟ ظاهر جلسه هیچگونه نشانه و اثری از یک جلسه دادگاه نداشت و من بعدها متوجه شدم که این جلسه می بایست جلسه دادگاه باشد. زیرا تنها من بودم و آقای روحانی که پشت میز نشسته بود. ایشان هم سوال می کرد و هم خود می نوشت. اگر درست باشد که آن جلسه، جلسه دادگاه بوده است، ایشان هم رییس دادگاه، هم دادستان، هم هیات منصفه و هم نماینده منافع متهم در یک شخص بوده است. این جلسه که می بایست در آن درباره سرنوشت یک حزب سیاسی ... و درباره سرنوشت یک انسان تصمیم گیری شود، چند دقیقه بیشتر طول نکشید. ..." [نامه سرگشاده رفیق احمد دانش، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، به آیت الله منتظری، کتاب شهیدان توده ای، صفحه های ۲۶۱-۲۶۲]

## ادامه وضعیت فاجعه بار خدمات ...

رفاه در خصوص رواج این پدیده در بیمارستان امیرالمومنین اهواز که متعلق به سازمان تامین اجتماعی است جلسه داشتیم و گفتیم که بیمارانی که به این بیمارستان مراجعه می کنند از افراد محروم و فقیر جامعه هستند و نباید با آنها چنین برخوردی صورت بگیرد.

کارگران و زحمتکشان ایران از زمان آغاز سیاست خصوصی سازی که از نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ شتاب ویژه ای گرفت، دستاوردهای حداقلی و تاریخی خویش را در اثر سیاست های اقتصادی مطابق با خواسته های بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سرمایه داری جهانی به نحو فزاینده ای از دست داده اند. این روند در دوران دولت احمدی نژاد با سرعت بیشتر و به صورت بی رحمانه ای به ضد زحمتکش ترین قشرهای جامعه در حال پیشروی است. به نظر می رسد خاکریز بدعی دولت ضد کارگری احمدی نژاد به ضد زحمتکشان، حمله به دستاوردهای آنان در عرصه خدمات درمانی باشد. به گزارش ایسنا، ۸ تیر، صادق محصولی در رابطه با شنیده هایی مبنی بر پرداخت فرانشیز از سوی بیمه شدگان در زمان مراجعه به مراکز و بیمارستان ملکی تامین اجتماعی گفت: "این موضوع در جهت ارتقای سطح خدمات به بیمه شدگان تحت پوشش تامین اجتماعی در نظر گرفته شده است." وی در جواب این سوال که این طرح مغایر با اساسنامه سازمان است، گفت: "در اساسنامه سازمان اصلاً اشاره ای به این موضوع نشده است. در قانون نیز دریافت فرانشیز تصریح و تشریح شده است. افرادی که این مباحث را مطرح می کنند کلی گویی می کنند."

گاهی دوباره به سخنان محصولی، وزیر رفاه، در رابطه با پیمانال کردن حقوق کارگران در عرصه خدمات درمانی و سخنان مشمژ کننده وزیر کار در اجلاس اخیر سازمان بین المللی کار مبنی بر اینکه دولت احمدی نژاد توسعه اقتصادی خود را هرگز به بهای رنج و آلام اقشار آسیب پذیر اجرا نمی کند، به خوبی نشان می دهد که دولت کودتایی در عرصه حرف با جملات زیبا به سیاست تزویر و رای خویش ادامه می دهد و در عرصه عمل بر رنج و آلام زحمتکشان هر چه بیشتر می افزاید. ایلنا، ۳۱ خرداد، از قول جعفر عظیم زاده، یک فعال کارگری، می نویسد: "در سال های گذشته اقدامات زیادی به زبان کارگران انجام شده است، دریافت فرانشیز از کارگران بیمه شده ای که به مراکز درمانی سازمان مراجعه می کنند نیز در ادامه همین اقدامات است." وی در جایی دیگر اظهار داشت: "کارگران با پرداخت حق بیمه، هزینه های تامین اجتماعی را تامین می کنند و به همین دلیل نمی توان از آنها پول بیشتری دریافت کرد."

آن چیزی که محصولی از آن به عنوان ارتقای سطح خدمات درمانی به بیمه شدگان نام می برد، در واقع همان شیوه های رایج برای چپاول بیشتر کارگران است. به گزارش ایلنا، ۹ تیر، محصولی در یک اظهار نظر دیگر در همین رابطه گفت: "بعضی از افراد تحت پوشش تامین اجتماعی برای درمان یک سردرد معمولی به مراکز علمی تامین اجتماعی مراجعه می کنند و در آنجا با توجه به اینکه امکانات درمانی دیگر رایگان است، در صدد هستند از آنها هم استفاده کنند و مثلاً از کمرشان هم بدون پرداخت هیچ هزینه ای، ام آر آی بگیرند."

این قسمت از سخنان علاوه بر اینکه دورخیز حکومتیان برای تاراج زحمتکشان را به خوبی نشان می دهد، در ضمن نوعی توهین به شعور اجتماعی زحمتکشان میهن نیز هست. اما در رابطه با همین سخنان محصولی باید گفت که همه افراد در هر سطح اجتماعی و تحصیلی که باشند به خوبی می دانند که مراجعه کردن به مراکز درمانی یک طرف قضیه است و استفاده از امکانات این مراکز طرف دیگر قضیه قرار دارد. به این معنی که، فرد مراجعه کننده مسئول تصمیم گیری برای استفاده از امکانات نیست. استفاده از امکانات بیمارستانی چه به صورت رایگان و چه به صورت غیر رایگان در اختیار پزشک بیمارستان و متصدی مربوطه است. در ثانی اگر به سخنان نماینده اهواز استناد کنیم، باز هم این سخنان محصولی بدون پایه و کاملاً بی اساس است چون حتی قبل از تصویب این قانون زحمتکشان هنگام مراجعه به مراکز درمانی متعلق به خودشان متحمل هزینه هایی می گشتند که نماینده اهواز از آن به عنوان پدیده زیر میزی نام می برد. بنا بر این چگونه می توان این دروغ را باور کرد که یک مراجعه کننده بدون تشخیص پزشک و زیر چشم و دید مسئولان بیمارستان می تواند هر اقدامی را که خود تشخیص می دهد انجام دهد. محصولی بعید است نداند که در بیشتر کشورهای اروپایی و حتی کشور به لحاظ مالی ضعیفی همچون کوبا، خدمات درمانی نه تنها برای کارگران بلکه برای تمامی قشرهای جامعه

رایگان است و هیچ گونه هزینه ای از بیماران دریافت نمی شود. این امر نه تنها موجب وضعیتی که محصولی ادعای آن را دارد، نگردیده است بلکه به ارتقای سطح سلامت جامعه هم کمک شایان توجهی کرده است. حتی آمریکا هم که یکی از غیر انسانی ترین قوانین درمانی را دارد اخیر با تلاش فعالان طرفدار زحمتکشان و از طریق دولت اوپاما و به رغم مخالفت های جناح های هار سرمایه داری قوانین بیمه و خدمات درمانی را تا حدودی به نفع قشرهای ضعیف و زحمتکش جامعه تغییر داد. زحمتکشان میهن در حال حاضر باید هم حق بیمه بدهند هم فرانشیز پرداخت کنند و هم پول زیر میزی برای درمان خود بپردازند. به راستی در این ارتباط سخنان وزیر کار در اجلاس بین المللی کار را با چنین اوضاع مشقت بار و پر از آلام چگونه می توان تفسیر کرد؟

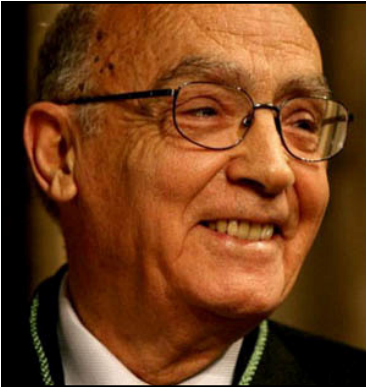
محمد اشرفی، دبیر شورای عالی تامین اجتماعی، در رابطه با خدمات درمانی رایگان، می گوید: "اصولاً استفاده از واژه رایگان در نظام بیمه ای و خدمات درمانی در مراکز ملکی تامین اجتماعی معنی و مفهومی ندارد و فقط می تواند زمینه سوء استفاده های اجتماعی را باز کند. کارگر و بیمه شده در زمان اشتغال خود هزینه های خود را به تامین اجتماعی پرداخت کرده است" (ایلنا، ۲۹ خرداد).

گیلانی نژاد، دیگر فعال کارگری، نیز می گوید: "صندوق بین النسلی اجتماعی در ۸۰ سال پیش فعالیت خود را با کسر ۲ ریال از مزد کارگران شروع و تا به امروز که معادل ۳۰ درصد از مزد ماهانه کارگران را کسر می کند همچنان به ارایه خدمات درمانی مشغول است. با مصوبه اخیر هیات امنای سازمان تامین اجتماعی جمعیت ۳۰ میلیونی بیمه شدگان تامین اجتماعی از حقوق قانونی، بیشتر از گذشته محروم شده اند" (ایلنا، ۵ تیر).

بنا بر همین اظهارات، زحمتکشان میهن با مصوبه جدید بایستی بابت خدمات درمانی ۵۰ درصد حق فرانشیز پرداخت کنند. اگر مقدار حق بیمه ای را که کارگران از حقوقشان کسر می شود را به آن اضافه کنیم به معنی آن است که خدمات درمانی برای این طبقه، یعنی رویایی که دیگر واقعیت ندارد. این وضعیت تحمیل شده به کارگران در حالی به اجرا درآمده است که زحمتکشان میهن به رغم اینکه در موارد بسیار زیادی شغل های خویش را هم از دست داده اند اما تلاش کرده اند با پرداخت حق بیمه از جیب خودشان استفاده از خدمات درمانی را برای خود و خانواده محفوظ نگهدارند. یکی از کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران، در گفت و گو با ایلنا، ۱ تیر، می گوید: "در سه سالی که از بحرانی شدن وضع کارخانه می گذرد کارگران با پرداخت حق بیمه خود نسبت به تمدید دفترچه های بیمه خود و ثبت سوابق خود اقدام کرده اند. در تمامی این مدت کارفرما هیچ اقدامی برای پرداخت سهم ۲۳ درصدی خود انجام نداده است."

آن چیزی که محصولی امروز با مصوبات جدید و دروغ در حال به اجرا درآوردن آن است، قسمتی از برنامه بلند مدتی است که دولت احمدی نژاد از قبل برنامه ریزی آن را پیاده کرده است. ذبیحی، مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی، در مصاحبه با وطن امروز، ۶ اردیبهشت، تا حدود زیادی این مسئله را روشن ساخته و اظهار می دارد: "به جای اینکه واحدهای درمانی را خودمان اداره کنیم آنها را به بخش خصوصی اجاره بدهیم و سپس از آنها خرید خدمت کنیم." وی در جایی دیگر در رابطه با فروش بیمارستان های تامین اجتماعی می گوید: "یکی از رویکردها، فروش بیمارستان به بخش خصوصی و دریافت خدمات از آنهاست اما فراموش نکنید که آن مقولات در مباحث کلان و راهبردهای ۱۰ ساله سازمان مطرح است و باید هیات مدیره و هیات امنای سازمان در باره آن تصمیم گیری کنند." این بدین معنا است که چپاول گسترده اموال متعلق به زحمتکشان حتی عرصه هایی را که با سلامتی این زحمتکشان ارتباط مستقیم دارد نیز مورد هدف قرار داده است. ذبیحی در حالی این سخنان را اظهار می دارد که وی در جایی دیگر و کمی پیش تر می گوید: "باید شرایط را طوری مهیا کنیم که سازمان تامین اجتماعی که متعلق به ۳۰ میلیون نفر از افراد تحت پوشش است، در حوزه های درمانی، بیمه ای و اقتصادی حرف اول را بزند" (ایلنا، ۲۸ فروردین).

بدون شک سازمان تامین اجتماعی یکی از ثروتمندترین سازمان های موجود در داخل کشور است که قادر است در پرتو یک مدیریت مردمی علاوه بر خدمات درمانی کاملاً رایگان، امکانات بسیار دیگری را در اختیار زحمتکشان قرار دهد. اما همین ثروت عظیم باعث گردیده که چپاولگران حاکم با قربانی کردن درمان و بهداشت ۳۰ میلیون نفر از هم میهنانمان به ثروت های نجومی خویش اضافه کنند. اختلافات میان چپاولگران که اخیراً در حال اوج گیری است گوشه هایی هر چند کوچک از این چپاول ها را



داستانی جهان، و همچنین جنبش عدالت خواهانه استثمار شدگان و ستم کشیدگان در سراسر جهان، با مرگ خوزه ساراماگو - انسان، هنرمند، مبارز - با فقدان دیر جبران شونده‌ای رو به رو شده‌اند.

### در رثای خوزه ساراماگو بیانیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال

مرگ خوزه ساراماگو حکایت گر نبودی جبران نشدنی برای پرتغال، مردم پرتغال، و فرهنگ پرتغال

بلندای روشنفکری، هنری، انسانی و شهروندی خوزه ساراماگو انگاره‌ی بنیادی در تاریخ ما نقش می‌زند. کار ادبی کلان، چشمگیر و بی‌همتای او - که با جایزه نوبل ادبیات در ۱۹۸۸ ارج نهاده شد - در حکم نقطه عطفی در تاریخ ادبیات پرتغال باقی خواهد ماند، تاریخی که نام او در آن بارزترین نام هاست. خوزه ساراماگو در برکشیدن آوریل [ انقلاب ۱۹۷۴ ] به مرتبه شریکی پرچم و جوش در مقاومت ضد فاشیسم یاری رسانید. او به این فعالیت پس از " روز رهایی "، با التزام و پیکار خود در فرایند انقلابی‌یی که به طرز زرف کشورمان را در جهت بهبود و برپایی دموکراسی دگرگون کرد، تداوم بخشید، دگرگونی‌یی که عطف توجه اولیه آن دفاع از منافع کارگران و مردم میهن بود. خوزه ساراماگو از ۱۹۶۹ عضو حزب کمونیست پرتغال بود، و مرگ او نمایان گر فقدان مشترک از برای کل حزب کمونیست است - حزبی که او، تا آخرین روز حیات خود، همچون حزب خاص خودش آن را برگزید. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال تأسف عمیق و غم‌بی‌کران خود را در مرگ رفیق خوزه ساراماگو بیان می‌دارد - و از صمیم قلب به همنشین و همراه او، بیلاز دل ریو، و دیگر اعضای خانواده او تسلیت می‌گوید.

### دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال

### ادامه وضعیت فاجعه بار خدمات ...

آشکار ساخته است. سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس، در جریان طرح تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی، گفت: "اعضای هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی ۱۰ میلیون حقوق می‌گیرند و در هنگام بازنشستگی نیز ۲۰۰ میلیون پول دریافت می‌کنند و این در حالی است که حقوق کارگران پایمال می‌شود" (خبر آنلاین، ۲۹ اردیبهشت).

صادق محصولی که هزینه مراجعه یک کارگر به بیمارستان تامین اجتماعی او را آشفته کرده است، در برابر حیف و میل میلیونی منصوبان دولت سرکوبگر بر راس سازمان متعلق به زحمتکشان چه جوابی دارد؟ چنانکه نیروهای مترقی و نیروهای مدافع حقوق زحمتکشان در این باره به افشاگری‌های گسترده دست بزنند شاید بتوان جلوی چنین اقدامات ضد انسانی و ضدکارگری را گرفت، اما اگر در این مورد کاری بایسته صورت نگیرد ما در آینده نه چندان دور شاهد وضعیتی همانند آمریکا خواهیم بود که برای غلبه بر آن بیش از ۴۰ میلیون نفر از زحمتکشان آن کشور با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. خدمات درمانی نیاز ضروری تمامی افراد یک جامعه است که دولت‌ها باید آن را برای تمامی قشرهای جامعه به صورت رایگان مهیا کنند. دولت ضد مردمی احمدی نژاد نه تنها از چنین امر مهمی استتکاف می‌ورزد بلکه در صدد است امکانات متعلق به زحمتکشان که حاصل دسترنج سالیان رنج و زحمت خود آنان است را به نفع خویش مصادره کند.

## کار و زندگی ساراماگو هنرمندی آفرینشگر در نگارش رمان و مبارزی پرشور در عرصه اجتماع

خوزه ساراماگو در ۱۶ نوامبر ۱۹۲۲ در ایزنیهاگا ( گولگا ) در خانواده‌ای از دهقانان خرده‌پای لیسبون به دنیا آمد، در مدرسه فنی دوره دید و نخستین شغلش تعمیرکار اتومبیل بود. خود آموزی و اشتیاق به کتاب را با گذراندن شب‌ها در کتابخانه مرکزی لیسبون ارضا می‌کرد. نخستین رمان خود، *سرزمین گناه*، را در ۱۹۴۷ منتشر کرد و سال‌های آمده از پی آن را به نقد ادبی، ترجمه‌ی (تولستوی، هگل، بودلر، ناطم حکمت)، شاعری: *شعرهای ممکن* (۱۹۶۶)، *سادی* (۱۹۷۰)، *سال ۱۹۹۳* (۱۹۷۵)، و *روزنامه‌نگاری: درآورن ضمیمه فرهنگی ژورنال لیسبون* و معاون سردبیری *دیلی نیوز* گذراند. حاصل تلاش‌های روزنامه‌نگارانه چاپ گاه‌شمارهای: *این دنیا و دنیای دیگر* (۱۹۷۱)، *بارونه مسافر* (۱۹۷۳)، *عقایدی که دل داشت* (۱۹۷۴) و *یادداشت‌ها* (۱۹۷۶) بودند. بازگشت ساراماگو به رمان، از ۱۹۷۷ بود و با *دست‌نامه نقاشی و خطاطی*، اثر برجسته ادبیات پرتغالی، زمین (۱۹۸۰)، و شاید پرآوازه‌ترین کار او: *یادمان کونوتو*، و به دنبال آن: *سال مرگ ریکاردو ریس* (۱۹۸۴)، *بلم سنگی* (۱۹۸۶)، *تاریخ محاصره لیسبون* (۱۹۸۹)، *انجیل به روایت عیسا مسیح* (۱۹۹۱)، *کوری* (۱۹۹۵)، *همه نام‌ها* (۱۹۹۷)، *غار* (۲۰۰۱)، *همزاد* (۲۰۰۲)، *رساله در باب شفافیت* (۲۰۰۴)، *مرگ بریده بریده* (۲۰۰۵)، *سفر فیلی* (۲۰۰۸) و *قابلی* (۲۰۰۹) بیرون آمدند. ساراماگو ۱۸ جایزه ادبی دریافت کرد و از جمله نوبل ادبیات را در ۱۹۹۸، که تا کنون تنها نویسنده پرتغالی دارای نوبل جایزه است. کارهای ساراماگو در ۲۷ کشور ترجمه و چاپ شده‌اند. بر پایه متن کارهای او موسیقی، تئاتر، سنوفنی و اپرا ساخته شده است و خوانندگان مشهوری در آوازهای خود از این متن‌ها استفاده کرده‌اند. خوزه ساراماگو را کنش پرشور شهروندی نیز برجسته کرد. او از نامزدی نورتون دِ توس برای ریاست جمهوری حمایت کرد، در ۱۹۶۹ به حزب کمونیست پرتغال وارد شد و تا آخر عمر عضو آن ماند. در ۱۹۶۹ و ۱۹۷۳ فعالیت شدیدی در اپوزیسیون دموکرات داشت، در ۱۹۸۹ به فهرست ائتلاف پیوست و با حمایت حزب کمونیست به ریاست انجمن خودگردان لیسبون انتخاب شد.

پارلمان پرتغال در اجلاس عمومی خود از مرگ ساراماگو عمیقاً اظهار تأسف کرد و به همسر و دختر او بدین مناسبت تسلیت گفت.

رفیق جرونیمو د سوسا، دبیر کل حزب کمونیست پرتغال، در مراسم تدفین خوزه ساراماگو، ۳۰ خرداد، از جمله گفت: " بگذارید در رثای او به سوگ بنشینیم، ما و مردم پرتغال، به ویژه توده زحمت که او از آنان بود و بدانها عشق می‌ورزید و به آنان پایبند بود." وی در ادامه اظهار داشت که، ساراماگو صرفاً داستان نمی‌سرایید، بلکه حضوری پرچم و جوش در زندگی مردم داشت. او سرگذشت مردمی که بیشتر وقت‌ها از سوی تاریخ‌نگاران رسمی نادیده انگاشته شده است، بازگو کرد. پرسشگری او، حیرت و خشم او از ستمگری چندوجهی بی‌که در این زمانه آن را زندگی می‌کنیم، خصیصه‌های پرچاژده وفاداری اخلاقی و سیاسی او، تا پایان عمر، اویند که او را با استثمار شدگان و ستم کشیدگان هم پیمان می‌کرد. رفیق جرونیمو د سوسا در ادامه گفت که، خوزه ساراماگو می‌دانست که کار و مبارزه او چیزی پایان‌نا یافته است. بهترین کاری که ما می‌توانیم انجام دهیم دنبال کردن آرمان‌های اوست. جالب اینکه، در حالی که شخصیت‌های ادبی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در سراسر جهان یاد و کار ساراماگو را گرمی می‌داشتند، سیلوا، رئیس جمهور پرتغال، در توضیح علت عدم حضورش در مراسم تدفین ساراماگو گفت: " او هیچ گاه دارای مزیتی نبود که موجب اعتنا به او بشود." همچنین در سر مقاله نشریه وابسته به واتیکان با برچسب " ایده پرداز ضد دین و مردم فریبی افراطی " از ساراماگو یاد می‌شود. واتیکان در حالی ساراماگو را "مردم فریب" می‌نامد که مدت هاست کوس رسوایی سوء استفاده‌های جنسی کشیشانش از کودکان، زیر پوشش مذهب، در سراسر جهان پیچیده است. خوزه ساراماگو بین هم میهنان علاقمند به ادبیات ما



## مشت آهنین سران ۲۷ کشور اتحادیه اروپا

مدت‌هاست تلاش‌هایی در کارند تا اروپا را به سوی خودکامگی برانند. در نشست‌هایی که اخیراً در بروکسل برگزار شد، سران دولت‌های ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا برای واداشتن دولت‌های عضو به اجرای برنامه‌های ریاضت اقتصادی در کشورهاشان ابزارهای اعمال فشار را تدارک دیدند. حرف اصلی آنها این است که، اگر قرار باشد کسری بودجه و بدهی عمومی مطابق با سقف تعیین شده در "توافقنامه ثبات" کاهش یابد (به ترتیب ۳٪ و ۶۰٪ تولید ناخالص ملی) معنایش این است که هر کشور چه بخواهد چه نخواهد باید این داروی تلخ (ریاضت اقتصادی) را بخورد و صدایش هم در نیاید. به نظر آنان، به جز یک عقب‌نشینی اجتماعی - که همین حالا هم در برخی از کشورها به مرحله اجرا در آمده است، و فرانسه هم با "اصلاح" در نظام بازنشستگی به آن پرداخته است - راه دیگری برای احیا و تقویت دوباره بازارهای مالی و جان دادن به یوروی ضعیف شده وجود ندارد. بر اساس توافق‌های صورت گرفته، بودجه کشورها تحت نظارت دقیق و شدید کمیسیون اروپا قرار خواهد گرفت، و زیر عنوان "مدیریت خوب"، کوچک‌ترین انحرافی از بودجه باید به تصویب سایرین (دیگر کشورهای عضو) برسد. پارلمان‌های ملی هم تنها اختیاری که دارند تصمیم‌گیری در مورد مسائل بسیار جزئی است که تازه آنها هم قبلاً باید به اطلاع مقام‌های بروکسل رسانده شده باشد، و حتی در صورت لزوم از سوی آنها تعدیل شود. دو کشور فرانسه و آلمان حتی پا را فراتر از این گذاشته‌اند و خواهان محروم کردن کشورهای "آسان‌گیر" از حق رأی در شورای اروپا شده‌اند. و البته اهمیتی هم ندارد که اگر در این میان دموکراسی زیر پا گذاشته شود!

بعد از ورشکستگی و سقوط اقتصادی سال ۲۰۰۸، در نتیجه کمک‌های مالی عظیم اعطا شده به نظام مالی و بانکی که ده‌ها سال از قیل سفته‌بازی رونق داشت و رشد حباب‌گونه کرده بود و با ترکیدن حباب از درون پاشید، همه کشورها با بدهی عظیمی روبه‌رو شدند. اکنون همان دولت‌ها، و از طریق آنها مالیات‌دهندگان و مردم اروپا، ملزم می‌شوند که صورت حساب بدهی‌های کلان را بپردازند، بدون اینکه حتی اجازه داشته باشند در مورد درستی این روند سؤال کنند. حرف سردمداران این است که این نظام [سرمایه‌داری] دارد از پای می‌افتد و به هر قیمتی که شده باید نجاتش داد: عامه مردم را هم بگذار سرشان به کار خودشان گرم باشد. چند قرن پیش هم در سال‌های ۱۷۸۰، یک رژیم سلطنتی که سال‌ها و روزهای آخرش را می‌گذراند و رو به زوال داشت، همین حرف‌ها را می‌زد. ظاهراً آرمان تغییر و تبدیل این نظام را که هنوز کاملاً حامی منافع سهام‌داران و متعهد به تأمین سوددهی در بازار سهام است، اصلاً نباید به ذهن راه داد. امروز دموکراسی در فرانسه و هلند لگد مال شده است، یعنی همان جایی که مردم با "نه" گفتن به متنی [قانون اساسی اروپا] که اساساً مربوط به حق رأی آنان بود - متنی که بر اساس آن، این بازار بود که می‌توانست قانون اساسی اروپا را دیکته کند - رأی عوضی "به صندوق‌ها ریختند! اما از دید نیروهای ترقی‌خواه، ضروری است که این دستاوردهای دموکراتیک را در مقابل خطرات جدید کنونی ارج بگذاریم و تقویت کنیم، و با برگزاری راهپیمایی و تظاهرات برای حق بازنشستگی در ۶۰ سالگی، مبارزه‌ای را که از زمان اعتصاب‌های عمومی در یونان و پرتغال توان بیشتری پیدا کرده است و در اسپانیا و فرانسه هم تدارک دیده شده اند، مورد پشتیبانی قرار دهیم. این خطر وجود دارد که دستور العمل‌هایی که شارلاتان‌های اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول صادر می‌کنند، این نهال‌های شکننده مقاومت را بخشکانند. این دستورالعمل‌ها نه تنها به بهبود وضعیت اروپا کمکی نخواهد کرد، بلکه بی‌تردید آن را به سوی یک رکود جدید سوق خواهد داد.

در واقع آنچه بحران کنونی به آن نیاز دارد، دقیقاً نقطه مقابل گرایش مستبدانه‌ای است که در بروکسل با بوق و کرنا جشن گرفته شد. آنچه لازم است، گسترش بی‌سابقه دموکراسی است. قطع هزینه‌هایی که برای تأمین اشتغال، پژوهش، آموزش و پرورش و حفظ محیط زیست لازمند، اشتباه است. هزینه این گونه خدمات باید از طریق وام‌های بانکی یا بهره بسیار کم، و دور ریختن شرایط کنونی دریافت وام، تأمین شود: شرایطی که کاملاً جانبدارانه و صرفاً به سود عملیات سودجویانه بانکی هستند. فقط به این ترتیب است که می‌توان راه را به سوی یک اروپای متحد و همبسته، و به سوی تمدنی نوین هموار کرد که صدای پای آن به گوش می‌رسد.

## بیانیه حزب توده ایران در همبستگی با حزب کمونیست سودان

به کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان، خارطوم -  
سودان

رفقای گرامی،

در چند ماه اخیر اخبار نگران‌کننده‌ای در مورد رخداد‌های سیاسی سودان به کمیته مرکزی حزب توده ایران رسیده است. ما گزارش‌های نگران‌کننده‌ای دریافت کرده‌ایم که مؤید تلاش‌های دولت سودان به سرکوب پیکار مردم سودان و نیروهای ترقی‌خواه در راه حقوق بشر، دموکراسی و عدالت اجتماعی است. همان‌طور که می‌دانید، و از آنجا که آنچه در سودان می‌گذرد از لحاظ جنبه‌های اساسی و مهم آن شباهت‌های زیادی به رخداد‌های کشور ما در سی سال گذشته دارد، حزب توده ایران رویدادهای کشور شما را از نزدیک دنبال کرده است و می‌کند.

به نظر ما، رژیم سودان با مداخله در روند انتخابات ریاست جمهوری اخیر در آن کشور طوری عمل کرد تا خواست‌های مردم ره به جایی نبرد و نتایج مهندسی شده مطلوب خود را به دست آورد. درود به حزب کمونیست سودان که آن انتخابات دروغین را یکسره و قاطعانه طرد و آن را تحریم کرد. حزب توده ایران با نگرانی شاهد آن است که از زمان انجام انتخابات در اوائل اردیبهشت [حدود ۲ ماه پیش]، رژیم سودان دستگاه سرکوب خود را به کار گرفته است تا بار دیگر نیروهای ترقی‌خواه و سندیگاها، و به‌ویژه حزب کمونیست سودان، را به طور سازمان یافته ای هدف حمله قرار دهد.

حزب توده ایران، کارزار ترور و سرکوبی را که رژیم سودان بر ضد کمیته اعتصاب پزشکان به راه انداخته است محکوم می‌کند. ما نسبت به وضعیت رهبران شاخص اعتصاب، از جمله دکتر الهادی بخیه، که در بازداشت به سر می‌برند و تحت شکنجه قرار دارند، به شدت نگرانیم. حزب توده ایران ضمن ابراز نگرانی شدید خود نسبت به سلامت ایشان، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان و دیگر زندانیان سیاسی در سودان است.

حزب توده ایران تلاش نیروهای امنیتی دولت سودان که به منظور سنگ‌اندازی در راه فعالیت‌های حزب برادر کمونیست سودان از طریق ارباب و سرکوب، صورت می‌گیرد محکوم می‌کند. ما اقدام این نیروهای امنیتی در اعمال سانسور بر نشریات حزب کمونیست سودان، از جمله *المیلان*، ارگان مرکزی آن، را به شدت تقبیح می‌کنیم. حزب توده ایران دستگیری و بازداشت روزنامه‌نگاران، فعالان سندیگایی، و سیاستمداران ترقی‌خواه توسط رژیم سودان را قاطعانه محکوم می‌کند. ما آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی را که از ابتدای‌ترین حقوق بشر، از جمله حق دسترسی به وکیل مدافع و امکان دفاع آزادانه از خود در دادگاه محروم هستند، خواهانیم.

حزب توده ایران حمایت صریح خود از حزب کمونیست سودان و همبستگی خود با آن حزب برادر در پیکار اصولی‌اش در راه بازیابی و استقرار صلح، دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی در سودان را اعلام می‌دارد. ما از کارزار بین‌المللی به منظور تأمین و تضمین حقوق دموکراتیک همه نیروهای ترقی‌خواه و دموکرات، و به‌ویژه حزب کمونیست سودان، برای فعالیت آزاد و کارساز در راه منافع زحمتکش‌ان سودان، حمایت می‌کنیم.

حزب توده ایران به روابط برادرانه و انترناسیونالیستی خود با حزب کمونیست سودان می‌بالد. ما مجدداً بر همبستگی پیکارجویانه خود با آن حزب برادر در مبارزه با استبداد، جنگ و نیروهای ارتجاعی، و در راه صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی تأکید می‌کنیم.

با درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳۱ خرداد (۲۱ ژوئن ۲۰۱۰)

## ادامه تلاش اسلامگرایان حاکم ...

چه می‌گذرد؟

**ج.** عدم موفقیت دولت در رسیدن به توافق با شورشیان عمده در دارفور، منجر به تشدید کشمکش‌های نظامی در آن منطقه شده است. همچنین، هزاران غیرنظامی قربانی جنگی هستند که در غرب سودان ادامه دارد. حتی نیروهای سازمان ملل متحد هم که برای دفاع از غیرنظامیان آمده بودند، مورد حمله قرار گرفته‌اند و قربانیانی داده‌اند. مسئله اینجاست که، در حالی که وضع روز به روز بدتر می‌شود، جامعه بین‌المللی در مورد قساوت‌ها و جنایت‌های نیروهای دولتی سکوت کامل اختیار کرده است. وضع در جنوب هم به هیچ‌وجه آرام و پایدار نیست. گروه‌های مسلح حمایت شده از سوی دولت سودان در جنوب، به اغتشاش و ناامنی دامنه می‌زنند و بی‌ثباتی بی‌سابقه‌ای را در جنوب ایجاد کرده‌اند. تهاجم و تجاوز به حقوق دموکراتیک در شمال هم جزئی از روال کار و شیوه عمل نمونه‌وار اخوان‌المسلمین در سراسر کشور است.

**س.** میان تحولات سودان و آنچه در ایران در حکومت جمهوری اسلامی رخ داده است، شباهت‌هایی وجود دارد. شما این شباهت‌ها، و تفاوت‌های میان اوضاع سیاسی دو کشور را چگونه می‌بینید؟

**ج.** مشخصه‌های عمده مبارزه در ایران و سودان یکسانند. در صدر خواست‌های اپوزیسیون هر دو کشور، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک جای دارد. محافل حاکم در هر دو کشور برخاسته از قشرهای فرهنگی و اجتماعی یکسانی هستند، یعنی با زمینه اسلامی و از قشرهای خرد بورژوازی. به علت این شباهت، هر دو در نخستین سال‌های حکومت‌شان حرف‌های مشابهی می‌زدند. برخلاف ایران که آنها سوار بر شانه‌های انقلاب مردم به قدرت رسیدند ولی به تدریج انقلاب را دزدیدند و خواست‌های آن را مهار کردند، در سودان آنها قدرت را از راه کودتا غصب کردند. با وجود این، قول دادند که فقر را ریشه‌کن کنند، سطح زندگی را بهتر کنند، با فساد مبارزه کنند، و ثروت‌های کشور را محافظت کنند. اما امروز هیچ‌کدام از اینها را در هیچ‌یک از دو کشور نمی‌بینیم. خیلی ساده قول‌هاشان را فراموش کرده‌اند، برای بقا و حفظ حکومت خود متوسل به ارباب و سرکوب شده‌اند، ثروت‌های مملکت را به هدر داده‌اند، حقوق اقلیت‌های ملی را نادیده گرفته‌اند و زیر پا گذاشته‌اند، با زنان به عنوان شهروندان درجه دو رفتار می‌کنند، و به علت ماهیت طبقاتی بی‌که دارند، سیاست‌های ضد طبقه کارگر را در پیش گرفته‌اند. دشمن اصلی آنها دموکراسی و ترسی است که از مردم دارند. گفته‌ها و تبلیغات مذهبی آنها فقط ابزاری است برای توجیه اقدامات محدود کننده آزادی و حریم شخصی افراد. در حالی که آیه‌های قرآن را زیر لب می‌خوانند، در گرفتن رشوه یا ارتکاب وحشیانه‌ترین جنایت‌ها بر ضد بشریت و حتی نقض احکام اسلام تردید به خرج نمی‌دهند. یادتان باشد که این ایران بود که نیروهای امنیتی سودان را آموزش داد که برای نخستین بار دست به شکنجه و ترور افراد در سودان زدند.

**س.** موضوع مهمی که باید در نظر گرفت، ظهور یک دار و دسته نظامی است که اهرم‌های سیاسی و اقتصادی کشور را در کنترل خود دارد، و به این ترتیب، به خرج توده‌های مردم ثروت‌های افسانه‌ای برای خود انباشته است. در هر دو کشور، همین باند است که منابع طبیعی را حیف و میل می‌کند و به هدر می‌دهد. شما ماهیت رژیم سودان را چگونه می‌بینید؟ در مورد نقش چهره‌هایی مثل حسن الترابی، متحد پیشین عمر البشیر و منتقد و مخالف کنونی او، چه نظری دارید؟

**ج.** همان طور که شما هم به درستی ماهیت رژیم را بیان کردید، باید بگویم که قصد و هدف اصلی این رژیم استفاده از قدرت حکومت برای به جیب زدن ثروت و حفظ حاکمیت خودش است، و هر چیز دیگر را می‌تواند در این راه فدا کند. رژیم سودان مسیر رشد سرمایه‌داری بسیار ابتدایی و آشفته‌ای را طی می‌کند، و به همین دلیل، این رژیم همسو با سرمایه جهانی حرکت می‌کند و متحدانش را در آن سو می‌جوید. از طرف دیگر، رژیم سودان بخشی از نهضت اخوان‌المسلمین است که عملاً بر ترکیه و غزه حکومت می‌کند و حضور پررنگی در مصر و سوریه و اردن دارد. از لحاظ ماهیت سیاسی، تفاوتی میان الترابی و البشیر نیست. بزرگ‌ترین تفاوت آنان در سهمی است که از این خوان یغما می‌خواهند و می‌برند. به نظر من آنها فعلاً دشمن یکدیگر باقی می‌مانند، اما هر زمان که رژیم واقعاً

احساس خطر کند، هر دو جناح به یاری هم خواهند شتافت.

**س.** رژیم حاکم بر سودان چه پایگاه طبقاتی و اجتماعی بی دارد؟

**ج.** پایگاه طبقاتی رژیم خرده بورژوازی است. رهبری حکومت برخاسته از جنبش دانشجویی است. در پیرامون محافل حاکم، یک لایه اجتماعی ایجاد شده است که منافع آن به طور مستقیم با منافع رژیم پیوند دارد. آنها اساساً در پی کسب سریع منفعت در کوتاه مدت هستند، و به همین دلیل علاقه و توجهی به پروژه‌های دراز مدت که مایه پیشرفت اقتصادی‌اند، ندارند. در بخش‌های آموزش، بهداشت و درمان یا امور رفاهی مردم اصلاً سرمایه‌گذاری نمی‌شود. مثل طبقه حاکم ایران، دشمن اصلی حاکمان سودان نیز طبقه کارگر و جنبش سندیکایی است. آنها به تجربه دریافته‌اند که هرگاه اتحاد عملی این دو نیرو شکل بگیرد، قادر خواهد بود رژیم دیکتاتوری را از سر راه بردارد.

**س.** همان طور که می‌دانید، جریان فکری بی وجود دارد که معتقد است اسلام با دموکراسی و حقوق بشر ناهمخوان است. آیا رویدادهای سیاسی در سودان مؤید این نظر است؟

**ج.** من با این نظر موافق نیستم. اسلام، مثل مسیحیت و دیگر اعتقادات مذهبی، مؤلفه مهمی در ترکیب و ساختار تاریخی و فرهنگی ملت سودان است. اسلام دین اکثریت مردمی است که خواهان و پذیرای دموکراسی و همه ارزش‌های همگانی هستند که باید در سودان مورد احترام باشد و در قانون اساسی کشور متبلور شده است. در اواسط دهه ۶۰ میلادی، در پی رشد فزاینده چپ و نفوذ آن در جنبش‌های توده‌ای، سیاستمدارانی پیدا شدند که برای مقابله با مبارزات رشد یابنده توده‌ها و تلاش عظیمی که برای اجرای وظایف مرحله ملی - دموکراتیک صورت می‌گرفت، متوسل به اسلام به عنوان یک ابزار سیاسی شدند. عامل شکل گرفتن آن جریان فکری که شما به آن اشاره کردید، همین سیاستمداران هستند، چرا که روش‌هایی که آنان به نام اسلام به کار بردند، غیردموکراتیک و سرکوبگرانه بود. در سودان، اخوان‌المسلمین از راه سرنگون کردن دولتی که به طور دموکراتیک انتخاب شده بود، قدرت را به دست گرفت. بنابراین، اگر از من می‌پرسید که چه کسی با دموکراسی همخوان و سازگار نیست، پاسخ من این است: همه آنهايي که از مذهب به عنوان وسیله‌ای برای کسب قدرت یا حفظ قدرت دولتی استفاده می‌کنند.

**س.** نقش جنبش‌های اجتماعی در سودان چگونه است؟ در مبارزه کنونی برای ایجاد تغییرات در سودان، زنان و جوانان و سندیکاهای چه نقشی دارند؟

**ج.** در سودان، جنبش توده‌ای همیشه نقشی اساسی در پیکار در راه احیای دموکراسی و برای راه‌های ملی و اجتماعی داشته است. این جنبش کارگری، اتحادیه‌های صنفی و سندیکاهای سازمان‌های زنان و جوانان و "اتحادیه زنان سودان" بودند که نخستین دیکتاتوری نظامی را در سال ۱۹۶۴ از قدرت برکنار کردند. نیز همین جنبش‌ها بودند که در اتحاد عمل با یکدیگر توانستند دومین رژیم نظامی در سودان را سرنگون کنند. امروز هم همین نیروهای اجتماعی برای کسب حقوق‌شان دست به کار شده‌اند. اما این‌که تحولات به چه شکلی رخ خواهد داد، صلح‌آمیز یا همراه با خشونت، بستگی دارد به میزان توان نیروهای مقاومت، روش‌های مؤثر برای دفاع از جنبش و حفاظت آن، و نیز حرکت‌های دشمن. دورانی که در پیش داریم دورانی است پراهمیت در راه شکل‌گیری و ایجاد سندیکاهای مستقل، تقویت سازمان‌های زنان، جوانان و دانشجویان، و انتخاب بهترین و روشن‌ترین هدف‌های قابل دسترسی برای جنبش. اهمیت اتحاد میان این نیروها و جنبش‌های اجتماعی بیشتر از اهمیت اتحاد میان احزاب سیاسی است که گاهی اتفاق افتاده است که حرکت توده‌ها را کند هم کرده‌اند.

**س.** رفیق فتحی، با تشکر مجدد، آیا پیامی برای خوانندگان "نامه مردم" در ایران دارید؟

**ج.** مایه افتخار و باعث خوشوقتی من است که "نامه مردم" با من مصاحبه می‌کند. ما چشم امید به روزی داریم که هر دو ملت ما بتوانند در صلح و آرامش، و بهروزی و رفاه زندگی کنند و از دسترنج خود و ثروت‌های کشورشان بهره‌مند شوند. ما تردید نداریم که آن روز دور نیست. آن گاه که توده‌ها متحد شوند و مصمم به شکست دادن دشمنان و احقاق حقوق‌شان شوند، آن روز به یقین فرا خواهد رسید.

## ادامه تلاش اسلامگرایان حاکم ...

پزشکان، و از همه مهم‌تر اتحاد و پیکارجویی آنان، دولت را مجبور به عقب‌نشینی کرد. این موفقیت نمونه بارزی بود از ثمره اتحاد و همبستگی.

**س.** یکی دو ماه پیش، انتخابات ریاست جمهوری سودان برگزار شد. حزب کمونیست سودان آن انتخابات را تحریم کرد. علل این تصمیم حزب چه بود؟  
**ج.** حزب آن انتخابات را تحریم کرد چرا که آن را از اول تا آخر جعلی و تقلبی می‌دانست. حزب می‌دانست که انتخاباتی که اخوان المسلمین برگزار کند، سراپا تقلب‌آمیز خواهد بود. در تمام انتخاباتی که آن‌ها پس از به دست گرفتن قدرت برگزار کردند، همین روال مشاهده می‌شد. حتی انتخابات اتحادیه‌های صنفی و دانشجویی هم ساختگی‌اند. پس تردیدی نبود که این انتخابات هم ساختگی خواهد بود. با وجود این، حزب تصمیم گرفت در روند مبارزات انتخاباتی شرکت کند تا از آن به عنوان یک مجرای قانونی برای دسترسی به توده‌ها و تماس با آنها استفاده کند. از سال ۱۹۸۹ این نخستین بار بود که حزب فرصت می‌یافت در تمام گوشه و کنار کشور حضور یابد. این اقدام به تقویت سازمان‌های حزبی و تماس گسترده با توده مردم کمک کرد. دلایل تحریم بعدی انتخابات عبارت بودند از نبود شفافیت در فرایند انتخابات، مداخله آشکار دولت، به کارگیری نهادهای امنیتی در کمیسیون‌های انتخاباتی، دستکاری و تمویض صندوق‌های رأی زیر نظارت نیروهای امنیتی، عدم امکان برگزاری انتخابات در دارفور و کردفان جنوبی، و اجرا نکردن تعهدهایی که دولت در توافق‌نامه‌های امضا شده با اپوزیسیون داده بود، به‌ویژه در ارتباط با احیای حقوق و آزادی‌های دموکراتیک.

**س.** حزب کمونیست سودان همین یکی دو سال پیش از فعالیت زیرزمینی به فعالیت علنی روی آورد. شما حتی کنگره پنجم حزب را در ژانویه ۲۰۰۹ در خارطوم برگزار کردید. چطور شد که چنین تغییر اساسی و مهمی امکان‌پذیر شد؟

**ج.** رژیم سودان بر اثر جنگ دراز مدت در جنوب و عملیات نظامی "اتلاف دموکراتیک ملی" در شرق (دارفور) ضعیف شده بود. پس از اختلاف با حسن الترابی [از سردمداران اسلامگرایان سودان] و جدا شدن او از حکومتیان، که آشکارا ناشی از جنگ بر سر قدرت بود، برنامه اولیه رژیم برای اسلامی کردن کشور دچار وقفه شد. عوامل دیگر در کنار این عامل عبارت بودند از انزوای فزاینده بین‌المللی رژیم، خراب شدن وضع اقتصادی، و نیز فشار جامعه بین‌المللی. همه این عوامل منجر به این شدند که رژیم سیاست ملایم‌تری را نسبت به اپوزیسیون در پیش گیرد و به برخی از خواسته‌های اپوزیسیون که تهدید مستقیمی برای حاکمیت نبود، تن در دهد. کنگره پنجم حزب نیمه قانونی و نیمه زیرزمینی بود. تلاش حزب، اعضا و رهبری آن برای فائق آمدن بر مشکلات و موانع برگزاری کنگره شگفت‌انگیز بود. این کنگره موفقیتی بزرگ برای ما بود. ۳۷۸ نماینده حزبی از سراسر سودان در کنگره شرکت داشتند که به مدت سه روز در بحث‌هایی پرشور، کار کنگره را به پیش بردند و دست آخر قطعنامه سیاسی و دیگر اسناد مربوطه را به تصویب رساندند. کنگره همچنین کمیته مرکزی جدید متشکل از ۴۵ عضو را انتخاب کرد. ۶۸ درصد از اعضای کمیته مرکزی جدید برای نخستین بار بود که انتخاب می‌شدند. ۷ تن از اعضای کمیته مرکزی از رفقای زن ما هستند. کمیته مرکزی در نخستین نشست خود اعضای هیأت سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی را انتخاب کرد.

**س.** ما شنیده‌ایم که نشریه "المیدان"، ارکان مرکزی حزب کمونیست سودان، تحت فشار شدید سانسور قرار دارد. چگونه است که پس از مدت کوتاهی که فعالیت‌های علنی حزب را تحمل کردند، اکنون رژیم بار دیگر متوسل به سرکوب و سانسور شده است؟

**ج.** "المیدان" همیشه تحت فشار سیاسی، مالی و مداخلات دولت بوده است. به ندرت اتفاق افتاده است که یک شماره از نشریه منتشر شود بدون آنکه نیروهای امنیتی در نشر آن مداخله کنند یا برای حذف مطالبی از آن فشار بیاورند، و لبه تیز تیغ سانسور غالباً متوجه سرمقاله‌ها بوده است. اما اخیراً، و به‌ویژه در پی اعتصاب پزشکان، نیروهای امنیتی بر فشار خود برای جلوگیری از انتشار اخبار و مقاله‌هایی با مضمون پشتیبانی از اعتصاب پزشکان افزوده‌اند. "المیدان" زیر بار این فشار نرفت و به نیروهای امنیتی اجازه نداد که مطالب را پیش از انتشار بازبینی کنند. همین شد که نیروهای امنیتی به چاپخانه دستور عدم چاپ "المیدان" را دادند. ما از رفقای توده‌ای تشکر می‌کنیم که در پشتیبانی از پیکار و خواسته ما برای رعایت حق آزادی مطبوعات توسط دولت و نیز تأمین و تضمین آزادی‌های حقوقی و دموکراتیک، بیانیه‌ای صادر کردند.

**س.** در ارتباط با تراژدی دارفور در شرق و رخدادهای جنوب سودان، این روزها در خارطوم و سودان شمالی

گرفت، چنین رفتار شد. رژیم در پی کسب مشروعیت و ایالات متحد آمریکا به دنبال برگزاری یک همه‌پرسی در جنوب بود، که می‌توانست به تقسیم کشور منجر شود و دستیابی شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکایی به سهم بزرگ تری از نفت کشور را آسان‌تر کند. به این ترتیب بود که به رغم ادامه جنگ در دارفور، نبود توافق بر سر نتایج سرشماری، تنش‌های جاری در جنوب، و خودداری احزاب عملاً شمال از شرکت در انتخابات، برگزاری انتخابات به سودان تحمیل شد. پس از آن انتخابات ساختگی و تقلبی که آمریکا و اتحادیه اروپا بر آن صحه گذاشتند، صاف شدن جاذه برای برگزاری یک همه‌پرسی و دادن آن مشروعیتی که رژیم دنبالش بود به آن، رژیم از فرصتی که جامعه بین‌المللی در اختیارش گذاشت نهایت استفاده را کرد و به طور کامل در مقابل ملت قد علم کرد. موج سرکوب کشور را فرا گرفت؛ درست مثل همان روزهای نخست کودتای ۱۹۸۹. خلاصه اینکه، حد و مرز دموکراسی در سودان در باریکه توازن قدرت میان دولت و اپوزیسیون نوسان می‌کند. در نتیجه، مجموع آنچه را که در کشور وجود دارد می‌توان پژوهی از دموکراسی خواند. هر فردی حق دارد هر طور که می‌خواهد انتقاد کند، اما در جواب فقط پژوهی صدادی خودش را خواهد شنید، چرا که مسئولان کشور چشم دیدن و گوش شنیدن ندارند. اصلاً اهمیت نمی‌دهند. از پیش از انتخابات هم همین طور بود. حالا حتی آن اندک پژوهی دموکراسی هم از میان رفته است.

**س.** گزارش‌هایی منتشر شده است مبنی بر اعتصاب پزشکان و اینکه رهبران کمیته اعتصاب بازداشت و شکنجه شده‌اند. خواسته‌های اصلی این اعتصاب کنندگان چیست؟

**ج.** دولت سودان در تلاش برای اجرای کامل نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول دست به خصوصی‌سازی گسترده‌ای زده است، از جمله در خدمات آموزشی و بهداشت و درمان. آموزش در سودان از سطح دبستان تا دانشگاه رایگان بود. درست است که ظرفیت دانشگاه‌ها محدود بود، اما با کمک مصر که یک شعبه از دانشگاه قاهره را در خارطوم ایجاد کرد و به تحصیل صدها دانشجو در مصر یاری رساند، این مشکل تا حدی بر طرف شده بود. صدها دانشجو نیز در دانشگاه‌های سوسیالیستی سابق تحصیل می‌کردند، ضمن آنکه ده‌ها دانشجو برای تحصیل به بریتانیا، دیگر کشورهای غربی، سوریه و عراق می‌رفتند. اما پس از کودتای "جبهه ملی اسلامی" و انزوای بین‌المللی آن، دولت همه دانشجویان مقیم خارج را به کشور فرا خواند و به آنها قول امکان تحصیل در مؤسسات آموزش عالی در داخل کشور را داد. اما شمار دانشجویان از خارج آمده بسیار بیشتر از ظرفیت موجود دانشگاه‌ها بود. همین امر منجر به ایجاد دانشگاه‌های خصوصی، و بعدها تحت ارشاد و راهنمایی‌های صندوق بین‌المللی پول، منجر به خصوصی‌سازی آموزش شد. در ماه مه ۱۹۸۹ فقط ۶ دانشگاه در سودان وجود داشت. امروز هیچ‌کس به طور قطع تعداد مؤسسات آموزش عالی را نمی‌داند، اما تخمین می‌زند که فقط در پایتخت بیشتر از ۷۰ دانشگاه وجود دارد. نتیجه این شده است که سطح معلومات فارغ‌التحصیلان به شدت افت کرده است. شمار فارغ‌التحصیلان مرتب بیشتر شده است به طوری که امروزه، هر سال چندین هزار فارغ‌التحصیل با صلاحیت ویی صلاحیت داریم. امروزه می‌توان هر نوع مدرک دانشگاهی را با پرداخت پول تهیه کرد. اینک نتیجه این شده است که تعدادی از فارغ‌التحصیلان پزشکی، به‌ویژه آنان که پیوندهایی با اخوان المسلمین دارند، غالباً بدون داشتن آموزش و تجربه کافی استخدام شوند. خوب، همین یکی از خواسته‌ها و دلایل اعتراض پزشکان است. دیگر خواسته‌های پزشکان عبارتند از: پرداخت به‌موقع حقوق‌ها، افزایش حقوق‌ها متناسب با نرخ تورم، احیای برنامه تأمین رایگان دارو برای تهی‌دستان، به‌ویژه در مناطق روستایی، ملی کردن دوباره بیمارستان‌های اصلی و بزرگ، بهبود شرایط کار و بهداشت در داخل بیمارستان‌ها، و از همه مهم‌تر، احیای حق پزشکان برای تشکیل سندیکای مستقل خودشان. دولت با پزشکان همان طور رفتار کرده است که با مخالفان سیاسی‌اش؛ در حرف می‌گوید آری، اما عملی در کار نیست. هر بار که پزشکان اعتصاب کردند همین طور شد. اما این بار، و پس از انتخابات اخیر، وقتی دولت مشروعیت بین‌المللی را احساس کرد، زور بازویش را به رخ پزشکان کشید. نیروهای امنیتی رهبران پزشکان اعتصابی را زبوند و تا حد مرگ شکنجه کردند. بخش اعظم رهبران را بازداشت کردند. اما پزشکان آماده دفاع از خود و حمله متقابل بودند. همبستگی مردم سودان، ارمان و خواسته‌های عادلانه



رفیق دکتر علی بایبیکر الکلین

بود. علت دیگر آن، مداخله مداوم به اصطلاح جامعه بین‌المللی بود که دولت آمریکا در آن نقش عمده‌ای به عهده دارد. کشمکش

میان

طرف‌های درگیر اجتناب‌ناپذیر بود، اما پس از امضای "موافقت‌نامه صلح همه‌جانبه" در ژانویه ۲۰۰۵ میان دولت و "جنبش آزادی‌بخش مردم سودان" با وساطت و هدایت مستقیم و آشکار جامعه بین‌المللی (که گفتم دولت آمریکا در آن نقش عمده‌ای داشت)، بهبود قابل توجهی در اوضاع حاصل شد. این قرارداد کشور را در وضعیت تازه‌ای قرار داد که در آن بازیگران داخلی گفتگو با یکدیگر را شروع کردند. اینک در شرایطی قرار گرفته بودیم که امکان رسیدن به توافق‌هایی دیگر در افق دیده می‌شد؛ توافق‌هایی که می‌توانستند منجر به حل یک رشته از مسائل پایه‌ای بشوند. چند ماه پس از آن موافقت‌نامه، توافق‌نامه‌ای میان دولت و "ائتلاف دموکراتیک ملی" (متشکل از ۱۳ حزب و گروه) در قاهره به امضا رسید که دو طرف مذاکره اهداف متفاوتی در آن داشتند. هدف اصلی دولت از این توافق‌نامه بازگرداندن اپوزیسیون به داخل کشور بود تا آسان‌تر بتواند آن را زیر نظارت قرار دهد. اما از دید اپوزیسیون، و از جمله حزب کمونیست سودان، مهم‌ترین موضوع احیای حقوق و آزادی‌های دموکراتیک بود و هست. توجه به این نکته اهمیت دارد که در جریان مذاکرات قاهره و پس از آن، اختلاف‌هایی میان گروه‌های اپوزیسیون مشاهده می‌شد. بعضی توافقی یک‌جانبه را آن طور که آمریکا می‌خواست، ترجیح می‌دادند. حزب "ملت" (امه) از "ائتلاف" جدا شد، و "حزب اتحاد دموکراتیک" دو دوزه بازی می‌کرد و به دنبال سهمی از این خوان برای خود بود. در بقیه توافق‌نامه‌ها هم، چه در شرق و چه در ابوجا، کمابیش همین روند دیده می‌شد. باید بگوییم که در تمام این مدت، از زمان کودتای عمر حسن البشیر در ۱۹۸۹، و به رغم سرکوب‌های دولت جدید، رهبری حزب کمونیست سودان هرگز از کشور خارج نشد. مدتی طول کشید تا تیرگی روابط میان گروه‌های اپوزیسیون از میان برود. نخست صحبت از شرکت در دولت شد. حزب اتحاد دموکراتیک، که ریاست "ائتلاف دموکراتیک ملی" را در اختیار داشت، پذیرفت که در دولت نماینده داشته باشد. بخشی از حزب "امه" هم پست و مقام‌هایی را احراز کرد. یکی از جناح‌های درگیر در دارفور علاوه بر حضور در دولت "شرق" (منطقه دارفور)، به دولت خارطوم هم راه یافت. همه چیز همان طور که جامعه بین‌المللی می‌خواست صورت گرفت. مبارزه‌ای که پس از این تحولات رخ داد، از یک طرف همواره در راستای اجرای توافق‌نامه‌ها بود و از طرف دیگر با مخالفت و کارشکنی دولت روبه‌رو بود. حتی در مورد موافقت‌نامه‌ای هم که با جنبش آزادی‌بخش صورت

## تلاش اسلامگرایان حاکم برای تعطیل دموکراسی در سودان!

نمایندگان رهبری حزب کمونیست سودان و حزب توده ایران، در نخستین هفته تیرماه جاری، برای بررسی آخرین تحولات سیاسی دو کشور ملاقات کردند. در این ملاقات رفیق دکتر علی بایبیکر الکلین، عضو هیئت سیاسی و هیئت دبیران حزب برادر که مسئولیت امور تشکیلات و سازماندهی حزب را به عهده دارد، ماهیت و جهت تحولات ماه‌های اخیر و از جمله انتخابات فروردین ماه سودان، دستگیری کمیته اعتصاب پزشکان سودان و تشدید فعالیت‌های سرکوبگرانه نیروهای امنیتی دولت را توضیح داد. رفیق سودانی در این گفتگو به توضیح شباهت‌های شکلی و محتوایی تحولات دو کشور و نقش رژیم ولایت فقیه در تحولات سودان پرداخت و اهمیت مبارزه برای دموکراسی و حقوق بشر را به مثابه بخشی مهم از مبارزه در جهت تحولات پایه‌ای و ترقی خواهانه اقتصادی-اجتماعی مورد توجه قرار داد. نمایندگان حزب توده ایران، در این دیدار و تبادل نظر، ضمن توضیح مشخصه‌های جنبش عظیم مردم ایران و نیروهای متشکله آن، به توضیح تحلیل حزب از شعارها، جهت و آینده جنبش اعتراضی مردم ایران، ماهیت به غایت ارتجاعی رژیم حاکم و دولت کودتا، نقش سپاه پاسداران، سیاست و عملکرد امپریالیسم در منطقه، و در انتها، مواضع نیروهای سیاسی مختلف کشور در قبال تحولات کشور پرداختند. نمایندگان دو حزب برادر، ضرورت گسترش روابط متقابل برادرانه و ابتکارهای همبستگی بین دو حزب را مورد تأکید قرار دادند. در حاشیه این ملاقات، خبرنگار "نامه مردم" مصاحبه‌ای با رفیق فتحی الفضل، مسئول امور بین‌المللی حزب کمونیست سودان، انجام داد که در ادامه متن کامل آن برای اطلاع خوانندگان نامه مردم منتشر می‌شود.

### مصاحبه "نامه مردم" با رفیق فتحی الفضل، مسئول امور بین‌المللی حزب کمونیست سودان

رفیق فتحی، متشکریم که دعوت ما را برای مصاحبه با "نامه مردم" پذیرفتید. مختصات و مشخصات عمده اوضاع عمومی هم در سودان و هم در ایران عبارتند از: نقش غالب و بارز نیروهای اسلامی ارتجاعی در اقتصاد، تباهی و فساد اجتماعی و فرهنگی در هر دو کشور، استفاده نیروهای حاکم از زور و خشونت افسارگسیخته به منظور سرکوب دموکراسی و نیروهای دموکراتیک و ترقی‌خواه، تلاش برای اسلامی کردن زندگی فرهنگی و اجتماعی جامعه، اعمال ستم جنسیتی و تلاش برای محدود کردن نقش زنان در سیاست، اقتصاد و توسعه اجتماعی، و بالاخره، سرکوب اقلیت‌های ملی و مذهبی. امیدوارم در این گفت‌وگو بتوانیم شباهت‌هایی را که در اوضاع هر دو کشور وجود دارد، مشخص تر کنیم.

س. گزارش‌هایی به دست ما رسیده حاکی از آن که وضعیت سیاسی در سودان در چند ماه گذشته به شدت وخیم شده است. ممکن است در مورد علت این وخامت شدید اوضاع سیاسی سودان را توضیح بدهید؟

ج. در بیرون از سودان شاید این طور به نظر می‌رسید که اوضاع در سودان به طور نسبی آرام است. این دورنما به علت توازن قوایی بود که در نتیجه ضعف بازیگران داخلی صحنه سیاست سودان، چه اپوزیسیون و چه دولت، ایجاد شده

ادامه در صفحه ۱۱

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"  
E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

**Nameh Mardom No. 846**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

5 July 2010

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRANe.V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse